



بسته‌سیاستی و اجرایی راهکارهای کاهش طول سنوات مجاز دوره تحصیلی در نظام آموزش عالی ایران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۵/۲/۵

شماره مسلسل:

۲۱۴۳۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

بسته سیاستی و اجرایی راهکارهای کاهش طول سنوات مجاز دوره تحصیلی در نظام آموزش عالی ایران

نوع گزارش: طرح/لایحه □، راهبردی ■، نظارتی □، پیش‌نویس قانونی □

نام دفتر:

مطالعات فرهنگی و آموزش (گروه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

تهیه و تدوین:

یونس رومیانی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

مدیر مطالعه:

حسین نصیری

ناظر علمی:

موسی بیات

ناظر علمی خارج از مرکز:

رضا مهدی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی)

گرافیک و صفحه آرایی:

سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

اکرم وحدانی‌فر

واژه‌های کلیدی:

۱. دانشگاه

۲. سنوات مجاز تحصیل

۳. آموزش عالی

۴. وزارت علوم

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۴/۰۶/۰۱



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه و بیان مسئله.....	۹
۲. پیشینه پژوهش.....	۱۰
۳. تجارب کاهش طول سنوات تحصیلی در جهان.....	۱۲
۳-۱. آلمان.....	۱۳
۳-۲. فرانسه.....	۱۵
۳-۳. مالزی.....	۱۶
۳-۴. هلند.....	۱۹
۳-۵. بریتانیا.....	۲۱
۳-۶. کانادا.....	۲۲
۳-۷. استرالیا.....	۲۴
۳-۸. هند.....	۲۶
۴. ساختار نظام آموزشی کشورهای منتخب.....	۲۷
۵. تحلیل و تبیین یافته‌های مورد مطالعه مبتنی بر الگوهای رفتاری مشابه در کشورهای منتخب.....	۲۹
۵-۱. رابطه بین ساختار حکمرانی آموزش عالی و کاهش طول دوره تحصیل.....	۲۹
۵-۲. رابطه بین نظام تأمین منابع مالی آموزش عالی و کاهش طول دوره تحصیلی.....	۳۰
۶. راهکارهای کاهش طول دوره تحصیلی کارشناسی در هشت کشور منتخب.....	۳۰
۷. جمع‌بندی.....	۳۵
منابع و مأخذ.....	۳۶

فهرست جداول

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش.....	۱۰
جدول ۲. اطلاعات آموزشی دانشگاه‌های منتخب هلند درباره مدت و سنوات مجاز دوره کارشناسی.....	۲۰
جدول ۳. نوع تأمین مالی و میزان هریک از آنها در آموزش عالی کشور انگلستان.....	۲۲
جدول ۴. ساختار نظام آموزشی کشورهای مورد مطالعه.....	۲۸
جدول ۵. تحلیل مقایسه‌ای تجربه کشورهای مورد مطالعه در خصوص کاهش طول دوره تحصیلی کارشناسی.....	۳۲

فهرست شکل‌ها

شکل ۱. رابطه بین ساختار حکمرانی و کاهش طول دوره تحصیلی.....	۲۹
شکل ۲. فرصت‌های اجرای سیاست کاهش طول دوره تحصیلی در کشورهای منتخب.....	۳۳
شکل ۳. تهدیدهای اجرای سیاست کاهش طول دوره تحصیلی در کشورهای منتخب.....	۳۳
شکل ۴. راهکارهای کاهش طول دوره تحصیلی در کشور ایران براساس الگوی سه‌سطحی.....	۳۶



بسته سیاستی و اجرایی راهکارهای کاهش طول سنوات مجاز دوره تحصیلی در نظام آموزش عالی ایران

Doi: [10.22034/mrc.report.21430](https://doi.org/10.22034/mrc.report.21430)

چکیده



یکی از چالش‌های اصلی نظام آموزش عالی ایران، تأخیر در ورود دانش‌آموختگان به بازار کار است؛ به گونه‌ای که در برخی موارد این فرایند (ورود به بازار کار) تا حدود ۲۸ سالگی به طول می‌انجامد. عوامل متعددی در شکل‌گیری این مسئله نقش دارند که یکی از مهم‌ترین آنها، ساختار کم‌انعطاف دوره‌های آموزشی در مقاطع مختلف آموزش عالی است. گزارش حاضر با بررسی تطبیقی تجربیات هشت کشور (آلمان، فرانسه، مالزی، هند، بریتانیا، هلند، کانادا و استرالیا)، ۳۵ راهکار اجرایی را برای بهینه‌کردن طول دوره‌های تحصیلی، به‌ویژه در مقطع کارشناسی، شناسایی کرده است که در چهار الگوی کلی شامل **اصلاح ساختاری، الگوی رقابتی-بازار محور، الگوی فراگیر-انعطاف‌پذیر و الگوی تدریجی-بهینه‌ساز** دسته‌بندی می‌شوند. مهم‌ترین این راهکارها عبارت‌اند از: سبک‌سازی بار آموزش عالی و بازنگری اساسی در برنامه‌های درسی، استفاده از ساختار سه‌نیم‌ساله و کاهش حجم تعطیلی‌های طولانی بین نیمسال، استفاده از آموزش ترکیبی (حضور و برخط (آنلاین)) و حرکت به سمت تدوین برنامه‌هایی با کاهش میزان حضور دانشجو در کلاس درس، استفاده از ساختار چندخروجی انعطاف‌پذیر، حرکت به سمت پودمانی‌سازی یا سازمان‌دهی دروس در قالب بسته‌های آموزشی مستقل. در این مسیر تفویض اختیار به دانشگاه‌ها در جهت استقلال در تصمیم‌گیری برای اجرای فرایند کاهش طول دوره‌های تحصیلی و توجه به تنوع و اقتضات رشته‌های تحصیلی در کاهش طول دوره تحصیلی دو راهبرد کلان مهم به‌شمار می‌رود. در مجموع، این راهکارها در سه سطح کلان، میانی و عملیاتی طراحی شده‌اند تا با اصلاح هم‌زمان ساختار حکمرانی، برنامه‌های درسی و مشوق‌های مالی، مدت زمان تحصیل را در ایران به استانداردهای بین‌المللی نزدیک کنند و بهره‌وری نظام آموزش عالی را ارتقا بخشند.



بیان / شرح مسئله

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به تازگی موضوع کاهش طول دوره‌های تحصیلی را به عنوان یک ضرورت در راستای افزایش کارایی و اثربخشی نظام آموزش عالی مطرح کرده است. طولانی شدن دوره‌های تحصیلی در آموزش عالی ایران، علاوه بر تحمیل هزینه‌های مستقیم و فرصت‌های از دست رفته بر دانشجویان، خانواده‌ها و دانشگاه‌ها، کارایی نظام آموزشی را تحت شعاع قرار داده و ورود به موقع نیروی انسانی متخصص به بازار کار را با چالش مواجه ساخته است. این در حالی است که بسیاری از نظام‌های آموزش عالی پیشرو در جهان، با بهینه‌سازی و کوتاه کردن دوره‌های تحصیلی، ضمن حفظ کیفیت، به افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری دست یافته‌اند. اگرچه تلاش‌های پراکنده‌ای برای کاهش طول دوره‌های تحصیلی صورت گرفته، این اقدامات نتوانسته است به نتیجه مطلوب و جامع منجر شود.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

یافته‌ها نشان داد که راهکارهای کاهش طول سنوات مجاز تحصیلی در کشورهای مختلف متفاوت بوده و هر راهبرد متناسب با زمینه‌ای است که بر اساس ساختار حکمرانی، نیازهای اقتصادی و اولویت‌های اجتماعی هر کشور طراحی می‌شود. بر همین اساس، مهم‌ترین رویکردهای کاهش طول دوره تحصیل عبارت‌اند از:

۱. الگوی اصلاح ساختاری (اروپایی)

کشورهای آلمان، فرانسه و هلند با اتکا به فرایند بولونیا، بازطراحی کامل معماری آموزش عالی را دنبال کرده و با استقرار ساختار سه‌چرخه‌ای، دوره کارشناسی را به سه سال (۱۸۰ واحد) کاهش داده‌اند.

۲. الگوی رقابتی - بازار محور

کشورهای بریتانیا، استرالیا و کانادا بر ارائه دوره‌های شتاب‌دهنده در کنار دوره‌های سنتی متمرکزند. این دوره‌ها با کاهش مدت تحصیل به دو تا سه سال از طریق فشرده‌سازی و حذف تعطیلات طولانی، هدف کاهش هزینه‌های دانشجویی و پاسخ به نیاز فوری بازار کار را دنبال می‌کنند.

۳. الگوی فراگیر - انعطاف پذیر

هند با اتکا به سیاست ملی آموزش ۲۰۲۰، مدل نوآورانه‌ای را ارائه داده است. طراحی ساختار چندخروجی با امکان اخذ گواهی (یک سال)، دیپلم (دو سال) و مدرک کارشناسی (سه سال) از ویژگی‌های بارز این الگو است.

۴. الگوی تدریجی - بهینه‌ساز

مالزی با رویکردی محتاطانه، کاهش طول دوره را از طریق تقویت سیستم انتقال واحد و به رسمیت شناختن آموخته‌های قبلی^۱ دنبال می‌کند. تمرکز بر یادگیری مبتنی بر نتیجه و مهارت‌محوری، همراه با حفظ انعطاف‌پذیری برای رشته‌های پیچیده از ویژگی‌های متمایز این الگو است.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی و سیاستی

۱. سبک‌سازی بار آموزش عالی به واسطه بازنگری برنامه‌های درسی

سبک‌سازی بار آموزش عالی با تعریف شفاف نتایج یادگیری و بازنگری اساسی در سرفصل‌ها و حذف دروس تکراری یا غیر ضروری می‌تواند زمینه‌ساز کاهش طول دوره تحصیلی با تمرکز بر محتوای اصلی و مهارت‌های پایه و مورد نیاز دوره‌های آموزشی شود.

۲. تفویض اختیار به دانشگاه‌ها در راستای تصمیم‌گیری در خصوص مدیریت طول دوره تحصیلی

اعطای اختیار لازم به دانشگاه‌های دارای صلاحیت برای بازنگری و بهینه‌سازی طول دوره تحصیلی در رشته‌های تحت پوشش با در نظر گرفتن

۱. در مالزی، برای جلوگیری از اتلاف وقت دانشجویان، دانش و مهارت‌های قبلی آنها (چه از تحصیلات گذشته و چه از تجربه کار) شناسایی و به جای واحدهای درسی پذیرفته می‌شود. این روش، راهی هوشمند و کم‌هزینه برای کوتاه کردن عملی مدت تحصیل است.



ماهیت رشته و نیازهای بازار کار گام مهمی است.

۳. استقرار نظام آموزشی انعطاف‌پذیر و فشرده

رسمیت بخشیدن به دوره‌های فشرده و تسریع شده، اجرای نظام آموزشی سه‌نیمساله و توسعه زیرساخت‌های آموزش ترکیبی (حضوری و آنلاین) حلقه مغفول نظام فعلی آموزش عالی کشور محسوب می‌شود که می‌توان با اجرای اثربخش آن گام مهمی برای کاهش طول دوره تحصیلی برداشت.

۴. استقرار سامانه یکپارچه انتقال واحد و برنامه‌ریزی تحصیلی

ایجاد سامانه ملی یکپارچه انتقال واحدهای درسی با چارچوب مشخص و استاندارد که امکان جابه‌جایی بدون اتلاف وقت دانشجویان بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی مختلف را فراهم می‌کند، ضروری است. این سامانه باید شامل بانک اطلاعاتی واحدهای درسی معادل، سازوکار خود کار بررسی تطابق دروس و سامانه ثبت دروس مشترک باشد. هم‌زمان، با استقرار سامانه مشاوره تحصیلی هوشمند، نقشه راه تحصیلی شخصی‌سازی شده برای هر دانشجو طراحی، و با تضمین عرضه به‌موقع دروس اصلی و مدیریت ظرفیت، امکان پیمودن بهینه مسیر تحصیلی فراهم می‌شود. این راهکار با کاهش فرایندهای اداری و حذف دوباره‌کاری‌ها، زمینه تحصیل بدون وقفه و به‌موقع دانشجویان را در سراسر کشور ایجاد می‌نماید. با هدف صرف‌جویی می‌توان از ظرفیت سامانه‌های موجود (سامانه سجاد برای دانشگاه‌های دولتی و سامانه منادا برای دانشگاه آزاد اسلامی) استفاده کرد.

۵. تقویت پیوند نظام آموزش عالی با صنعت

ایجاد پیوند عملی بین دانشگاه و صنعت از طریق الزام به گذراندن کارآموزی‌های هدفمند و مشارکت نهادهای صنعتی در بازنگری برنامه‌های درسی اقدام مؤثری هم برای افزایش کیفیت نظام آموزش عالی، هم برای تنوع‌بخشی به نظام تأمین مالی دانشگاه‌ها و هم کاهش طول دوره تحصیلی خواهد بود. تدوین برنامه درسی با مشارکت دانشگاه و صنعت مستلزم بازنگری سرفصل‌های درسی، حذف و اصلاح برخی از دروس غیرضروری و انتقال رویکرد مهارت‌محوری صنعت به محتوای درسی دوره‌های آموزشی است.

۶. استقرار نظام تأمین مالی مبتنی بر شاخص نرخ فارغ‌التحصیلی به‌موقع و رضایت کارفرمایان

طراحی نظام تأمین مالی که براساس شاخص‌هایی مانند نرخ فارغ‌التحصیلی به‌موقع و رضایت کارفرمایان انگیزه لازم برای اصلاحات را ایجاد کند.

۷. ایجاد سازوکارهای پشتیبان برای:

- تشکیل کارگروه ملی کاهش طول دوره تحصیلی با اختیارات برنامه‌ریزی و نظارتی ذیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛
- استقرار الگوی مدرک پلکانی با خروجی‌های منعطف: اجرای این الگو به‌گونه‌ای است که محتوای درسی دوره کارشناسی به چندین مرحله مستقل (پلکانی) تقسیم می‌شود و پس از اتمام هر مرحله، یک مدرک معتبر (گواهینامه، دیپلم و در نهایت کارشناسی) به دانشجو اعطا می‌گردد تا امکان خروج انعطاف‌پذیر از تحصیل و ورود به بازار کار در فواصل زمانی مختلف فراهم شود؛
- تسریع مسیرهای متنوع فارغ‌التحصیلی زودتر از موعد برای دانشجویان مستعد؛
- اجرای طرح فرصت مطالعاتی تابستانی بین‌دانشگاهی: منظور از اجرای این طرح، فراهم آوردن امکان گذراندن واحدهای درسی در دوره‌های فشرده تابستانی در سایر دانشگاه‌هاست تا دانشجویان با استفاده از این ظرفیت، بتوانند دوره تحصیل خود را تسریع کنند و زودتر فارغ‌التحصیل شوند.

۱. در این جمله، منظور از کارفرمایان (Employers) سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی - صنعتی - خدماتی‌اند که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را در نقش‌های شغلی مختلف استخدام می‌کنند. این نهادها به‌عنوان مصرف‌کنندگان نهایی محصول نظام آموزش عالی (یعنی نیروی کار متخصص) در نظر گرفته می‌شوند و رضایت آنها نشان‌دهنده میزان انطباق مهارت‌ها و دانش فارغ‌التحصیلان با نیازهای واقعی بازار کار است.

۱. مقدمه و بیان مسئله

طول دوره تحصیل در آموزش عالی، شاخصی کلیدی در ارزیابی کارایی و بهره‌وری نظام‌های دانشگاهی محسوب می‌شود. در حالی که بسیاری از نظام‌های پیشروی آموزش عالی در جهان به سمت بهینه‌سازی و کوتاه کردن دوره‌های تحصیلی استاندارد، همراه با حفظ و حتی ارتقای کیفیت آموزشی و کیفیت تربیتی حرکت کرده‌اند، مدت‌زمان استاندارد دوره‌های تحصیلی در ایران بدون تغییر باقی مانده است. این ایستایی، ضمن تحمیل هزینه‌های سنگین به دانشگاه‌ها، خانواده‌ها و اقتصاد ملی، می‌تواند فرصت‌های توسعه‌ای را از کشور سلب کند. از این رو، بررسی راهکارهای علمی برای کاهش طول دوره تحصیلی استاندارد، بدون **تقلیل کیفیت آموزشی و غنای فرهنگی - تربیتی دانشگاه**، به موضوعی مهم در عرصه حکمرانی آموزش عالی تبدیل شده است. هرگونه تغییر و اصلاح در این ساختار، باید با در نظر گرفتن این اصل بنیادین همراه باشد که مأموریت اصلی دانشگاه، تربیت نیروی انسانی متخصص، متخلق و کارآمد است و شتاب‌زدگی یا تقلیل‌گرایی صرفاً کمی، می‌تواند به سرمایه انسانی و اجتماعی کشور آسیب جدی وارد کند. بنابراین، راهکارهای پیش‌رو باید هوشمندانه، همه‌جانبه‌نگر و مبتنی بر الگوهای موفق بین‌المللی باشند که در عین کوتاه‌سازی دوره‌ها، بر غنای محتوایی، استحکام علمی و تقویت هویت فرهنگی - دینی دانشجویان تأکید دارند. همچنین کاهش بودجه‌های دولتی و نبود تناسب بین منابع مالی و هزینه‌های فزاینده، دانشگاه‌ها را ناگزیر به بازنگری در برنامه‌های درسی سنتی و اصلاح ساختارهای آموزشی کرده است [۱]. از سوی دیگر، برای دانشجویان و خانواده‌های آنان، طولانی شدن دوره تحصیل به معنای تحمیل هزینه‌های مستقیم بیشتر (شهریه، مسکن، خوراک) و همچنین از دست دادن درآمدهای بالقوه (هزینه فرصت) در سال‌های اضافی است که می‌توانست صرف اشتغال شود.

بسیاری از کشورها با بازنگری در ساختار حکمرانی آموزش عالی خود، به کاهش طول دوره‌های تحصیلی اقدام کرده‌اند. برای مثال، کشورهای اروپایی (مانند فرانسه، آلمان و ایتالیا) با اجرای «فرایند بولونیا»، دوره‌های طولانی کارشناسی را به دوره‌های منعطف و ساختار یافته سه‌ساله تغییر داده‌اند. به‌طور مشابه، کشورهای آسیایی مانند ژاپن و کره جنوبی نیز با اجرای طرح‌های جامع برای کاهش تعداد واحدهای غیر ضروری و بهبود سیستم مشاوره تحصیلی، در پی کاهش طول دوره تحصیل بوده‌اند. این اصلاحات عموماً با انگیزه افزایش کارایی اقتصادی و رقابت‌پذیری بین‌المللی انجام شده است [۲].

از دیدگاه ملی، تسریع در خروج نیروی انسانی از دانشگاه‌ها به ورود سریع دانشجویان به بازار کار، افزایش نرخ مشارکت اقتصادی [۳]، رشد بهره‌وری و در نهایت، توسعه اقتصادی کشور [۴، ۵]، کمک شایانی می‌کند. از منظر فردی نیز، فارغ‌التحصیلی به‌موقع با افزایش رضایت‌مندی دانشجویان، کاهش فرسودگی تحصیلی و تقویت انگیزه برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر همراه است [۶]. از طرفی دیگر، ضعف در برنامه‌ریزی و هدایت تحصیلی، مشکلات اقتصادی دانشجویان، که آنان را به سمت اشتغال پاره‌وقت و کاهش تعداد واحدهای درسی سوق می‌دهد، ناکارآمدی سیستم ثبت‌نام و ارائه دروس و در برخی موارد، کمبود اعضای هیئت‌علمی از جمله عواملی است که در طولانی‌تر شدن دوره تحصیلی نقش دارند. بنابراین، راهکارهای کاهش طول دوره‌های تحصیلی باید رویکردی نظام‌مند و چندوجهی داشته باشد و ارائه «بسته‌های سیاستی و اجرایی» جامعی را در برگیرد که هم در سطح کلان (حکمرانی و سیاست‌گذاری) و هم در سطح خرد (مدیریت آموزشی و رفتار دانشجوی) عمل کند. در بستر ملی، طراحی هرگونه بسته سیاستی باید با لحاظ کردن ویژگی‌های بومی، نیازهای فرهنگی جامعه و مأموریت‌های تربیتی دانشگاه‌های کشور انجام پذیرد. راهکارهای پیشنهادی، فقط در صورتی مجاز و مفیدند که به عمق و پوشش آموزشی لطمه نزنند و فرصت تعمیق دانش، تفکر نقاد و رشد اخلاقی - فردی دانشجویان فراهم آورد. در همین راستا، این مطالعه با در نظر گرفتن این چالش‌ها و اهمیت موضوع، به بررسی راهکارهای علمی و عملی برای کاهش طول دوره تحصیلی و ارائه بسته سیاستی و اجرایی در این زمینه می‌پردازد.



۲. پیشینه پژوهش



در جدول ۱ چند مورد از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در موضوع طول دوره تحصیل مرور و بررسی شده است:

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

نویسندگان (سال)	هدف / عنوان پژوهش	خلاصه سیاست‌های اجرایی
(Johnson, 2011) [۷]	سه سیاست برای کاهش زمان لازم برای اخذ مدرک	یافته‌های کلیدی این پژوهش سه استراتژی ملموس و قابل اجرا را نشان می‌دهد. استراتژی اول، کنترل افزایش تعداد واحدهای درسی با تعیین سقف مشخص برای واحدهای دوره‌های تحصیلی است. استراتژی دوم، ایجاد نقشه‌های برنامه تحصیلی شفاف به صورت نیمسال به نیمسال برای تمام رشته‌هاست. این نقشه‌ها به دانشجویان نشان می‌دهد که دقیقاً چه دروسی را و در چه زمانی باید بگذرانند تا در مسیر درست و به موقع فارغ التحصیل شوند. استراتژی سوم، ضمانت انتقال واحدهای دروس عمومی در زمان انتقال دانشجویان بین مؤسسات آموزشی است. این مقاله در روش موفق برای تسهیل انتقال دانشجویان بین دانشگاه‌ها را معرفی می‌کند: در روش اول، تمام واحدهای عمومی دانشجویان به صورت بلوکی منتقل می‌شوند و در روش دوم، انتقال دروس بر اساس دسته‌بندی‌های مشترک دروس عمومی انجام می‌پذیرد.
(De Urquidí, Ohland, and Godwin, 2017) [۸]	مزایا و معایب کوتاه کردن زمان فارغ التحصیلی	یافته‌ها نشان می‌دهند که عواملی همچون نیاز به گذراندن دوره‌های جبرانی، انتقال بین دانشگاه‌ها و از دست دادن واحدهای درسی، تغییر مکرر رشته، الزامات اضافی دانشگاه‌ها و محدودیت‌های مالی از جمله دلایل اصلی طولانی شدن مدت تحصیل محسوب می‌شوند. با این حال، پژوهش به فواید احتمالی طولانی شدن دوره تحصیل نیز اشاره می‌کند؛ از جمله فرصت برای درک عمیق‌تر محتوای درسی، مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه، کاهش استرس تحصیلی و رشد شخصیتی و مهارتی دانشجویان. همچنین، راهکارهایی برای کوتاه کردن این مدت پیشنهاد شده است، از جمله: استفاده از برنامه‌های کمک مالی فدرال برای ثبت نام در دوره‌های فشرده، تشویق به گذراندن واحدهای دانشگاهی در دوره دبیرستان (مانند برنامه‌های دوگانه و جای‌گذاری پیشرفته) و وضع قوانینی برای حداقل تعداد واحدهای سالیانه توسط برخی ایالت‌ها.
(Sux, 2020) [۹]	بازسازی نقشه راه برنامه تحصیلی برای فارغ التحصیلی به موقع در آموزش عالی	یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بهینه‌سازی نقشه راه برنامه درسی می‌تواند به طور قابل توجهی نرخ فارغ التحصیلی چهار ساله را افزایش دهد. به عنوان مثال، در رشته مهندسی مکانیک، این نرخ از ۷۰.۹۳ درصد به ۲۲.۰۳ درصد بهبود یافته است. همچنین عوامل مختلفی از قبیل دسترسی به دروس (ظرفیت کلاس‌ها)، نرخ موفقیت در دروس (کاهش نرخ مردودی و انصراف) و انعطاف‌پذیری پیش‌نیازها بر نرخ فارغ التحصیلی تأثیر گذارند. به طور خاص، اطمینان از اخذ واحدهای درسی توسط همه دانشجویان می‌تواند نرخ فارغ التحصیلی چهار ساله را تا ۳۷.۲۹ درصد افزایش دهد. به عبارتی منظور این است که کلاس‌ها جوری برنامه‌ریزی شوند که دانشجویان بتوانند دروس لازم را در طول نیمسال بگیرند.
(غیائی ندوشن، ۱۴۰۱) [۱۰]	شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پیامدهای آن	راهکارهای پیشنهادی برای کاهش سنوات تحصیلی عبارت‌اند از: ارتقای کیفی واحدهای درسی و همسویی آنها با پایان‌نامه، بهبود فرآیندهای آموزشی و علمی، تسهیل روند انجام پایان‌نامه/ رساله، بازنگری در روند پذیرش دانشجویان و ایجاد سیستم قانونی برای الزام استاد و دانشجویان به انجام به موقع وظایف. رویکرد بر رون رفت از این پدیده باید سیستمی و همه‌جانبه باشد که در آن تغییر نگاه دانشگاه از کمیت‌گرایی به کیفیت‌گرایی و ایجاد پیوند بین آموزش عالی و نیازهای بازار کار از جمله ضرورت‌های اصلی محسوب می‌شود.

خلاصه سیاست‌های اجرایی	هدف / عنوان پژوهش	نویسندگان (سال)
برای کاهش سنوات تحصیلی، راهکارهای یکپارچه‌ای در سه حوزه آموزشی (بازنگری دروس و ساده‌سازی فرایند پایان‌نامه)، ساختاری (تأمین تجهیزات و اعتبارات پژوهشی) و نظارتی (تقویت قوانین و بهبود ارتباط استاد و دانشجو) پیشنهاد می‌شود.	تحلیلی از علل افزایش سنوات تحصیل دانشجویان در ایران (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد)	(تابعی و همکاران، ۱۴۰۲ [۱۱])
برای کاهش طول دوره تحصیل دانشجویان دکتری تخصصی، باید اصلاحاتی در فرایندهای پژوهشی و آموزشی از جمله بازنگری در شرط چاپ مقاله، تسهیل دسترسی به منابع و تجهیزات، افزایش حمایت‌های مالی و نظارت مستمر بر پیشرفت دانشجویان صورت پذیرد. همچنین، طراحی نظام پایش هوشمند و ارائه مشاوره‌های هدفمند به دانشجویان می‌تواند در تسریع فرایند فارغ‌التحصیلی مؤثر واقع شود.	بررسی عوامل مرتبط با افزایش طول مدت تحصیل دانشجویان دکتری تخصصی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد از دیدگاه اساتید، دانشجویان و کارشناسان آموزش	(حسینی و اسلامونیان، ۱۳۷۹ [۱۲])
از جمله عوامل مؤثر در طولانی بودن دوره‌های تحصیلی به‌ویژه در مقطع دکتری، ماهیت تلفیقی نظام آموزشی کانادا (ترکیبی از سیستم‌های آمریکایی و انگلیسی) و وابستگی مالی دانشگاه‌ها به کمک‌های دولتی عنوان شده است. یافته‌ها نشان داد برای کوتاه‌تر کردن دوره‌های تحصیلی، بازنگری در ساختار دوره‌ها و انطباقی نظام آموزشی تلفیقی پیشنهاد می‌شود.	بررسی متوسط طول تحصیل در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های علوم و مهندسی و مقایسه آن با سایر رشته‌ها در دانشگاه‌های کانادا	(منصوریان و همکاران، ۱۴۰۰ [۱۳])

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

براساس پیشینه پژوهش ارائه شده، می‌توان دریافت که طول دوره تحصیلی، پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل درون سیستمی (مانند ضعف فرایندهای آموزشی، مشکلات اجرای پایان‌نامه، رفتار غیر حرفه‌ای اساتید و محدودیت‌های مالی و اداری) و برون سیستمی (از قبیل مسائل اقتصادی-اجتماعی، اشتغال حین تحصیل، عوامل فردی-خانوادگی و دغدغه‌های علمی فردانشگاهی) می‌تواند متغیر باشد. مهم‌ترین سیاست‌ها و راهکارهای کاهش طول دوره تحصیلی شامل بهبود برنامه‌ریزی درسی از طریق طراحی نقشه‌های راه تحصیلی شفاف و نیمسال به نیمسال، کنترل تعداد واحدهای درسی و تعیین سقف مشخص برای آن، تضمین انتقال واحدهای دروس عمومی بین مؤسسات آموزشی به صورت بلوکی یا براساس دسته‌بندی‌های مشترک و بهبود دسترسی به افزایش ظرفیت کلاس‌ها و کاهش پیش‌نیازهای انعطاف‌ناپذیر است. همچنین، ارتقای کیفیت فرایندهای آموزشی و پژوهشی و ایجاد سیستم‌های نظارتی هوشمند، همراه با تأمین حمایت‌های مالی و تجهیزات پژوهشی و همسویی آموزش عالی با نیازهای بازار کار، از دیگر راهکارهای کلیدی به‌شمار می‌روند. این راهکارها نشان می‌دهند که حل این چالش مستلزم رویکردی یکپارچه، سیستمی و چندبعدی در سطح آموزش عالی است.



۳. تجارب کاهش طول سنوات تحصیلی در جهان



در چشم‌انداز پویای آموزش عالی معاصر، کاهش طول سنوات تحصیلی به راهبردی کلیدی تبدیل شده است که کشورهای مختلف با اهداف متنوعی از جمله افزایش کارایی نظام آموزشی، کاهش بار مالی بر دوش دولت و خانواده‌ها و تسریع در ورود نیروی انسانی به بازار کار، آن را دنبال می‌کنند. این پژوهش با تمرکز بر تجارب هشت کشور فرانسه، آلمان، مالزی، هند، بریتانیا، هلند، کانادا و استرالیا، در صدد واکاوی ابعاد مختلف این تحول ساختاری است. انتخاب این کشورها مبتنی بر تنوع الگوهای حکمرانی، سطح توسعه اقتصادی و رویکردهای متفاوت در مدیریت آموزش عالی صورت گرفته است. فرانسه و آلمان به‌عنوان پیشگامان اجرای فرایند بولونیا در اروپا، مالزی و هند به‌عنوان نمایندگان برجسته نظام‌های آموزشی در حال توسعه در آسیا، بریتانیا و هلند با نظام‌های آموزش عالی پیشرفته و رقابتی و در نهایت کانادا و استرالیا به‌عنوان کشورهای مهاجرپذیر با نظام‌های آموزشی انعطاف‌پذیر، طیفی جامع از تجارب جهانی را نمایندگی می‌کنند.

این مطالعه، پنج محور اساسی را در هر یک از این کشورها بررسی می‌کند: نخست، تحلیل نظام حکمرانی آموزش عالی و نقش نهاد‌های سیاستگذار در هدایت این تحول؛ دوم، واکاوی ساختار آموزش عالی و تغییرات ایجاد شده در معماری مقاطع تحصیلی؛ سوم، بررسی مدل‌های تأمین منابع مالی و سازوکارهای اقتصادی پشتیبان این اصلاحات؛ چهارم، ارزیابی طول دوره تحصیلی در مقاطع مختلف و روند تغییرات آن؛ پنجم، شناسایی ویژگی‌های مرتبط دیگر از قبیل برنامه‌های فشرده، سیستم انتقال واحدهای درسی و سازوکارهای پشتیبانی از دانشجویان. هریک از این کشورها با توجه به بافت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خاص خود، راهکارهای منحصر به فردی را برای کوتاه‌تر کردن طول دوره‌های تحصیلی توسعه داده‌اند که هدف از مطالعه این بافت‌ها در نهایت دستیابی به همین راهکارهاست. این مطالعات، زمینه‌ای برای تحلیل عمیق‌تر تجارب این کشورها را فراهم می‌آورد و چارچوب مفهومی لازم را برای درک تجارب کاهش طول سنوات تحصیلی به‌عنوان پدیده‌ای جهانی ارائه می‌دهد. بررسی این تجارب می‌تواند نقشه راهی برای سیاستگذاران و مدیران آموزش عالی در تدوین استراتژی‌های بومی و کارآمد باشد.

قبل از ورود به توضیح هریک از کشورها، فرایند بولونیا، به‌دلیل اهمیت و گسترده آن در سطح اروپا، تشریح می‌شود.

فرایند بولونیا

فرایند بولونیا با هدف تضمین مقایسه‌پذیری در استانداردها و کیفیت مدارک آموزش عالی در ۱۹ ژوئن ۱۹۹۹ آغاز شد. هدف اصلی این فرایند ایجاد منطقه آموزش واحد و یکپارچه و ارتقای سیستم آموزش عالی اروپا در سراسر جهان، برای افزایش رقابت‌پذیری بین‌المللی است. برای اطمینان از مقایسه‌پذیری سیستم‌های دانشگاهی اروپا، بیانیه بولونیا تعدادی از اهداف اصلی را مشخص کرد که پیشرفت آنها از طریق مجموعه‌ای از کنفرانس‌های وزیران، که بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۸ برگزار شد، نظارت و مدیریت شده است. مهم‌ترین سیاست‌ها و ابزارهای اجرایی این فرایند، ساختار مشترک چرخه‌های تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری)، سیستم انتقال واحدهای درسی اروپایی^۱ برای به رسمیت شناختن دوره‌های گذرانده، و صدور دیپلم مکمل^۲ برای توصیف واضح مدارک است. همچنین، تأکید بر یادگیری مادام‌العمر، ایجاد چارچوب‌های ملی و اروپایی صلاحیت‌ها و استقرار سیستم‌های مستقل تضمین کیفیت از ارکان اساسی آن است. یک نکته کلیدی، حفظ تنوع فرهنگی و استقلال آموزشی کشورها در عین ایجاد هم‌خوانی ساختاری است. نتیجه این فرایند، تحرک بی‌سابقه دانشجویان و شکل‌گیری بازار کار اروپایی یکپارچه‌تر برای فارغ‌التحصیلان بوده که الهام‌بخش اصلاحات آموزشی در سایر مناطق جهان نیز شده است.

امروزه فرایند بولونیا گسترش یافته است و منطقه بسیار بزرگ‌تر آموزش عالی اروپا را دربرمی‌گیرد. این منطقه اکنون شامل ۴۸ کشور اروپایی

1. European Credit Transfer and Accumulation System (ECTS)

2. Diploma Supplement

به علاوه کمیسیون اروپا و اعضای مشورتی و شرکای متعدد، نماینده مقامات دولتی، مؤسسات آموزش عالی، انجمن‌ها، آژانس‌های تضمین کیفیت، سازمان‌های بین‌المللی و سایر ذی‌نفعان مربوطه‌اند.

۱-۳. آلمان

۱-۳-۱. اهداف آموزش عالی

اهداف آموزش عالی آلمان براساس این مطالعه به این شرح است:

- تربیت نیروی متخصص و ماهر برای بازار کار؛
- ترویج و توسعه پژوهش و نوآوری؛
- تضمین برابری فرصت‌ها و دسترسی عادلانه؛
- بین‌المللی‌سازی و تقویت مبادلات علمی؛
- پرورش شهروندان مستقل و مسئول؛
- انتقال و حفظ سرمایه فرهنگی و علمی.

۲-۳-۱. ساختار آموزش عالی

کنشگران اصلی آموزش عالی آلمان دولت ملی و خود دانشگاه‌ها هستند و در عین حال بسیاری از اختیارات در حوزه آموزش عالی بر عهده دولت‌های محلی (ایالت‌ها یا لندرها)^۱ نهاده شده است. نظام آموزش عالی آلمان متنوع است و شامل دانشگاه‌های دولتی و خصوصی (که رویکرد تحقیقاتی و آموزشی دارند)، دانشگاه‌های علوم کاربردی، کالج‌های فنی و تربیت معلم و کالج‌های تخصصی هنر و موسیقی می‌شود. دانشگاه‌های علوم کاربردی یا همان «فاخو خوشوله‌ها» با محوریت آموزش حرفه‌ای فعالیت می‌کنند و اساتید آنها تا حدی فقط تحقیقات کاربردی انجام می‌دهند. اگرچه در آلمان نظام آموزش عالی تا حد زیادی تحت کنترل و حمایت دولت است و دانشگاه‌های خصوصی چندان در آن فعال و پررنگ نیستند، در خصوص ساختار سازمانی مؤسسات آموزش عالی، قانون اساسی فدرال آلمان به ویژه ماده ۵ (۳) هیچ نوع ساختار سازمانی را برای مؤسسات آموزشی مشخص نمی‌کند و انتخاب یک مدل ساختاری ویژه بر عهده قوه مقننه ایالت، و ترتیبات سازمانی دقیق بر عهده مؤسسات است.

۳-۳-۱. نظام تأمین مالی آموزش عالی

بنابر گزارش اداره آمار فدرال آلمان، این کشور دارای ۴۲۲ مؤسسه آموزش عالی تا اواخر سال ۲۰۲۲ بوده است که بین ایالت‌های مختلف توزیع شده‌اند. از این بین، ۱۱۴ مؤسسه از نوع خصوصی و بقیه دولتی‌اند. همچنین در میان کل مؤسسات فقط ۱۰۸ دانشگاه وجود دارد که ۲۱ مورد از آنها خصوصی‌اند. درآمد مؤسسات آموزش عالی در آلمان از دو منبع عمده به دست می‌آید: ۱. منابع عمومی، ۲. تأمین مالی طرف ثالث. منابع عمومی، بودجه‌ای است که توسط دولت فدرال و دولت‌های ایالتی به مؤسسات آموزش عالی اختصاص می‌یابد یا از درآمد عملیاتی خود مؤسسات به دست می‌آید. تأمین مالی طرف ثالث منابعی را شامل می‌شود که از طریق همکاری با صنعت و جامعه محقق می‌شود یا اینکه دولت منابعی را در ازای انجام فعالیت و خدماتی از طریق نهادهای واسط مانند بنیاد پژوهش آلمان به دانشگاه‌ها منتقل می‌کند. در حال حاضر ۲۰ درصد از کل منابع دانشگاه‌ها مربوط به تأمین مالی طرف ثالث است. ۸۰ درصد باقی مانده منابع دانشگاه‌ها به صورت ۷ درصد از محل درآمد عملیاتی خود دانشگاه‌ها، ۱۳ درصد از محل کمک‌های مستقیم دولت فدرال و ۶۰ درصد از طرف دولت‌های ایالتی عاید دانشگاه می‌شود [۱۴].

۴-۳-۱. سیاست‌ها و اقدامات کاهش طول سنوات تحصیلی

براساس مطالعات انجام شده، هدف اصلی آلمان از کوتاه کردن دوره کارشناسی به سه سال، همسو شدن با فرایند بولونیا و استقرار ساختار

۱. لندرها (Länder) به ایالت‌های فدرال در کشور آلمان اشاره دارد. آلمان یک جمهوری فدرال است که از ۱۶ ایالت مستقل تشکیل شده است. منظور از لندرها همان ایالت‌های آلمان است که به دلیل سیستم فدرالی این کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های آموزش عالی دارند.



سه مرحله‌ای (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) است. این تغییرات با هدف تقویت تحرک دانشجویان در سطح بین‌المللی، تسهیل شناسایی متقابل مدارک و ایجاد مسیرهای شغلی و تحصیلی شفاف‌تر و انعطاف‌پذیرتر میان مقاطع انجام شده است. پشتوانه قانونی این تغییرات در سطح فدرال و ایالتی فراهم شده است و دانشگاه‌ها توانسته‌اند دوره‌های استاندارد سه‌ساله کارشناسی را طراحی و اجرا کنند. این اصلاحات راهبردی برای افزایش قابلیت اشتغال فارغ‌التحصیلان، ارتقای جذابیت بین‌المللی نظام آموزش عالی آلمان و نوسازی برنامه‌های درسی طراحی شده است. از جمله دستاوردهای اجرای این نظام، حرکت به سمت پودمانی‌سازی یا سازمان‌دهی دروس در قالب بسته‌های آموزشی مستقل و تعریف دقیق‌تر نتایج مورد انتظار از فرایند یادگیری بود.

از نظر نقاط قوت و ضعف، این اصلاحات موجب شفافیت بیشتر مدارک در سطح اروپایی، افزایش تحرک بین‌المللی و امکان کسب مدرک معتبر در مدت زمان کوتاه‌تر شد که ورود زودتر به بازار کار یا ادامه تحصیل را تسهیل می‌کند. برای اساتید، هماهنگی بین‌المللی و چارچوب‌های استاندارد نتایج یادگیری فرصت‌های بیشتری برای همکاری‌های آموزشی و پژوهشی فراهم کرده است. با این حال، نقاط ضعفی نیز وجود دارد: برخی دانشگاهیان از فشرده شدن بیش از حد زمان‌بندی برنامه‌ها، کاهش عمق علمی دروس و افزایش بار اداری ناشی از پودمانی شدن شکایت دارند. در برخی رشته‌ها، دانشجویان و کارفرمایان نسبت به کفایت دوره سه‌ساله برای آمادگی حرفه‌ای تردید دارند که موجب گرایش بالا به ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد شده است. همچنین، اساتید از افزایش بار تدریس و ارزیابی و محدودیت در طراحی آزاد برنامه‌های درسی یاد کرده‌اند، در حالی که دانشجویان از تراکم کاری و سطحی شدن برخی دروس گلایه دارند.

ساختار سه‌چرخه‌ای تقریباً در تمام دانشگاه‌های آلمان پذیرفته شده است، اما میزان و شکل اجرای آن در رشته‌های مختلف، یکسان نیست. بسیاری از رشته‌ها به برنامه‌های کارشناسی ۱۸۰ واحدی^۱ تبدیل شده‌اند؛ با این حال، رشته‌های دارای مقررات خاص مانند پزشکی، دندان پزشکی، داروسازی، برخی گرایش‌های تربیت‌معلم و نیز رشته‌هایی مثل مهندسی و معماری، همچنان دوره‌های طولانی‌تر یا نظام‌های خاص آزمون ملی و ایالتی را حفظ کرده‌اند. در نتیجه، نظام آموزش عالی آلمان به شکلی تلفیقی عمل می‌کند: اگرچه بیشتر رشته‌ها از الگوی ۲+۳ (کارشناسی و کارشناسی ارشد) تبعیت می‌کنند، رشته‌های مشمول مقررات ویژه، الگوهای آموزشی خاص خود را دارند. نتایج ارزیابی‌ها حاکی از رضایت کلی و متوسط است.

به صورت کلی، از نظر نوع تغییرات ساختاری و درسی، اصلاحات بولونیا در آلمان بیشتر به بازطراحی ساختار برنامه‌ها مربوط می‌شد تا حذف ساده محتوا. برنامه‌ها در قالب پودمان‌های مبتنی بر سیستم استاندارد انتقال واحدهای درسی اروپا^۲ (۶۰ واحد در سال، ۱۸۰ واحد برای کارشناسی) بازسازی شدند و هر پودمان با نتایج یادگیری مشخص همراه شد. در این فرایند، بسیاری از دپارتمان‌ها محتوای دوره‌ها را تجمیع و فشرده کردند، پودمان‌های اختیاری را کاهش دادند و بخش‌های تخصصی‌تر را به دوره کارشناسی ارشد منتقل کردند. در برخی رشته‌ها این امر به کاهش نسبی ساعات تماس یا تغییر در توزیع زمانی نیمسال‌ها منجر شد. میزان و نحوه این تغییرات بین دانشگاه‌ها و رشته‌ها متفاوت است؛ برخی دپارتمان‌ها با بازطراحی محتوای درسی، عمق علمی را تا حد زیادی حفظ کردند، در حالی که دیگران با کاهش سرفصل‌ها مواجه شدند.

۱. در نظام‌های آموزش عالی مدرن، از جمله در دانشگاه‌های آلمان و دیگر کشورهای اروپایی، حجم دروس با واحدی به نام ECTS (سیستم انتقال اعتبارات اروپایی) سنجیده می‌شود. هر واحد ECTS به طور میانگین معادل ۲۵ تا ۳۰ ساعت کار کامل دانشجو تعریف می‌شود که نه فقط ساعت حضور در کلاس، بلکه تمام فعالیت‌های مرتبط با یادگیری از جمله حضور در سخنرانی‌ها، شرکت در جلسات تمرینی و عملی، انجام پروژه‌ها، مطالعه شخصی، آماده‌سازی برای کلاس و امتحانات را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال، در دانشگاه فنی مونیخ (TUM) - مانند بسیاری دیگر از دانشگاه‌های آلمان و اروپا - این سیستم به طور دقیق اجرا می‌شود و برنامه‌ریزی درسی بر مبنای کل حجم کاری دانشجو صورت می‌پذیرد، نه فقط ساعات حضور فیزیکی. برای مثال، در رشته مهندسی مکانیک این دانشگاه یک واحد درسی معادل ۳۰ ساعت حجم کار دانشجو محسوب می‌شود و این در حالی است که میزان حجم کار دانشجو در همین رشته در ایران برای یک درس دو واحدی ۲۰ ساعت در نظر گرفته می‌شود. مقایسه این عدد با آنچه در اروپا تعریف شده است نشان می‌دهد، دانشجویان در دانشگاه‌های اروپا به نسبت دانشگاه‌های ایران با وجود آنکه باید تعداد ساعت بیشتری را به گذراندن واحد درسی در مقطع کارشناسی اختصاص می‌دهند، سنوات تحصیلی کمتری دارند و به جای چهار سال، در سه سال دوره کارشناسی خود را به اتمام می‌رسانند [۱۴].

2. European Credit Transfer and Accumulation System

۲-۳. فرانسه

۱-۲-۳. اهداف آموزش عالی

هدف‌های آموزش عالی در فرانسه در چارچوب قوانین ملی و سیاست‌های وزارت آموزش عالی، پژوهش و نوآوری این کشور به این شرح است:

- تضمین دسترسی همگانی و برابری فرصت‌ها؛
- آماده‌سازی دانشجویان برای اشتغال و نیازهای بازار کار؛
- توسعه پژوهش و نوآوری در سطح جهانی؛
- ارتقای همکاری‌های بین‌المللی و جذب دانشجویان خارجی؛
- ترویج ارزش‌های جمهوری و شهروندی؛
- انطباق با فرایند بولونیا و استانداردهای اروپایی؛
- تمرکززدایی و تقویت استقلال دانشگاه‌ها.

۲-۲-۳. ساختار آموزش عالی

نظام آموزش عالی فرانسه با همزیستی مؤسسه‌های متعددی که به ارائه آموزش عالی مشغول اند مشخص می‌شود. آنها به دسته‌های حقوقی مختلفی تعلق دارند که در قانون آموزش فرانسه تعریف شده است: دانشگاه‌ها، مدارس و مؤسسه‌های خارج از دانشگاه، مؤسسه‌های آموزش عالی، مدارس فرانسوی خارج از کشور، مؤسسه‌های اصلی، جوامع دانشگاهی و مدارس. این مؤسسه‌ها دوره‌های متنوعی را با اهداف و شرایط پذیرش مختلف ارائه می‌دهند. طبق چارچوب کلی که قانونگذار تعیین کرده، تعریف و اجرای سیاست‌های آموزشی در فرانسه بر عهده دولت است. به‌طور کلی دولت به‌عنوان بازیگر کلیدی در حکمرانی نظام آموزشی فرانسه به‌شمار می‌رود. به این گونه که در سطح ملی، دولت سیستم آموزشی را با دو بخش (آموزش و پرورش و آموزش عالی) اداره می‌کند. به این ترتیب دولت نقش مهمی در حکمرانی نظام آموزشی فرانسه ایفا می‌کند، زیرا طبق سنت این کشور، سیستم آموزشی آن متمرکز است. وزارت آموزش عالی، تحقیقات و نوآوری که مسئول اصلی حوزه آموزش عالی در فرانسه است، دارای این بخش‌هاست:

- اداره آموزش عالی عمومی و حرفه‌ای؛

- اداره تحقیقات و نوآوری؛

- دبیرخانه عمومی، شامل: اداره کل منابع انسانی، اداره امور مالی، اداره امور حقوقی، اداره ارزیابی، برنامه‌ریزی و عملکرد، اداره ارتباط و همکاری اروپایی و بین‌المللی، اداره ارتباطات، واحد فناوری و دستگاه‌های اطلاعاتی [۱۵].

۳-۲-۳. نظام تأمین مالی آموزش عالی

در فرانسه سه نوع مؤسسه آموزشی شامل دانشگاه‌های دولتی، مؤسسات دولتی برای آموزش عالی و مؤسسات خصوصی وجود دارد. بودجه مؤسسات آموزشی در درجه اول توسط دولت تأمین می‌شود. بودجه ملی فرانسه برای آموزش عالی، شامل منابع جاری، سرمایه‌گذاری‌ها و حقوق پرسنل برای انواع مؤسسات آموزش عالی دولتی، سالیانه به پیشنهاد دولت توسط پارلمان تصویب می‌شود. هدف دولت برای افزایش مشارکت در آموزش عالی از اوایل دهه ۱۹۹۰ موجب افزایش سریع‌تر هزینه‌های عمومی برای آموزش عالی نسبت به کل بودجه عمومی شده است. فرانسه دارای حدود ۳۸۰ مؤسسه آموزش عالی دولتی و خصوصی است که تحت نظارت وزارتخانه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. درآمد این مؤسسات عمدتاً از دو منبع اصلی تأمین می‌شود: منابع عمومی و درآمدهای خود مؤسسات (درآمد اختصاصی). بخش منابع عمومی که حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد کل بودجه را تشکیل می‌دهد، شامل کمک‌های مستقیم دولت مرکزی از طریق وزارت آموزش عالی (بودجه پایه)، کمک‌های وزارتخانه‌های تخصصی و مشارکت دولت‌های محلی از جمله شورای منطقه‌ای، دپارتمان و شهرداری است. بخش درآمد اختصاصی نیز که ۲۰ تا ۳۰ درصد باقی‌مانده را دربرمی‌گیرد، از طریق شهریه‌ها، قراردادهای پژوهشی با صنعت، کمک‌های بنیادها و شرکای خصوصی،



و درآمد حاصل از خدماتی مانند آموزش مداوم و اجاره امکانات تأمین می‌شود. نکته قابل توجه در این نظام، سهم چشمگیر بودجه پژوهشی از طریق آژانس ملی پژوهش است.

۴-۲-۳. سیاست‌ها و اقدامات کاهش طول دوره سنوات تحصیلی

در فرانسه، اصلاحات ساختاری نظام آموزش عالی در چارچوب فرایند بولونیا به منظور همسوسازی آن با مدل سه دوره‌ای اروپایی (لیسانس، کارشناسی ارشد، دکتری) اجرا شد. هدف اصلی ایجاد شرایط برابر برای مدارک تحصیلی در سراسر منطقه آموزش عالی اروپا، افزایش قابلیت مقایسه و شناخت متقابل مدارک تحصیلی و تسهیل جابه‌جایی دانشجویان و اساتید بود. ساختار جدید، متشکل از سه سال و ۱۸۰ واحد، به گونه‌ای طراحی شده است که هم به مدرن‌سازی مسیرهای تحصیلی کمک می‌کند و هم به فارغ‌التحصیلان اجازه می‌دهد سریع‌تر وارد بازار کار شوند. از نظر نقاط قوت و ضعف، ساختار جدید سه‌ساله، قابلیت مقایسه بین‌المللی مدارک تحصیلی را بهبود بخشید، مسیرهای تحصیلی به سطوح بالاتر (کارشناسی ارشد و دکتری) را شفاف‌تر کرد و ارتباط بین آموزش عالی و بازار کار را تقویت نمود. برای دانشجویان، تطبیق واحدها در سراسر اروپا آسان‌تر، و عناوین مدارک تحصیلی واضح‌تر شد. برای اساتید، چارچوب مشترک اروپایی فرصت‌های جدیدی را برای همکاری دانشگاهی، تبادل دانشگاهی و هماهنگی برنامه‌های درسی ایجاد کرد. با این حال، نقاط ضعفی نیز وجود داشت: برخی از رشته‌ها از کاهش ساعات تدریس تخصصی و رقیق شدن محتوای دانشگاهی به دلیل فشرده‌سازی برنامه‌های قدیمی‌تر خبر دادند. در برخی مناطق، تنش‌هایی بین دانشگاه‌ها و مدارس عالی بر سر استانداردهای و حفظ کیفیت آموزشی مشاهده می‌شود. محدودیت منابع در دانشگاه‌ها نیز گاهی به افزایش حجم کار اساتید و نگرانی‌هایی در مورد کیفیت تدریس منجر می‌شود. شمار قابل توجهی از اساتید به ویژه در حوزه‌های علوم انسانی، زبان‌ها و مطالعات منطقه‌ای، کاهش عمق محتوای آموزشی و افزایش بار کاری را گزارش داده‌اند. علاوه بر این، اتحادیه‌های دانشجویی و برخی از دانشگاهیان به جنبه‌های بازار محور اصلاحات و تأثیراتشان بر عدالت آموزشی و منابع عمومی اعتراض کردند. ساختار سه‌ساله ۱۸۰ واحدی (۶ نیمسال) به عنوان قالب استاندارد دوره اول تقریباً در تمام رشته‌های دانشگاهی فرانسه پذیرفته شده است. با این حال، استثنائاتی وجود دارد: برخی از مدارک مهندسی، رشته‌های بهداشتی (مانند پزشکی و پرستاری) و برخی از دیپلم‌های حرفه‌ای خاص، ساختارهای طولانی‌تر خود را حفظ کرده‌اند. علاوه بر این، تفاوت‌هایی در زمان‌بندی و سرعت اجرا بین انواع مؤسسات وجود داشت. دانشگاه‌ها زودتر با اصلاحات سازگار شدند، در حالی که برخی از مؤسسات تخصصی یا حرفه‌ای با کندی بیشتری بازسازی شدند. در مجموع، سیستم آموزشی فرانسه، مانند آلمان، اکنون ترکیبی از مدل‌های سه‌ساله و برنامه‌های ساختار یافته بلندمدت را شامل می‌شود.

از منظر ساختاری، اصلاحات صورت گرفته در چارچوب سیستم جدید، دوره کارشناسی را به سه سال (۶ نیمسال) و معادل ۱۸۰ واحد استانداردسازی کرده و برنامه‌های درسی را در قالب واحدهای درسی منسجم و قابل انتقال بازطراحی نموده است. این تحول در عمل به ادغام یا فشرده‌سازی دوره‌های پیشین منجر شده و در بسیاری از رشته‌ها محتوای درسی بازآرایی یا تجمیع شده و بخشی از مطالب تخصصی به مقاطع بالاتر (کارشناسی ارشد یا دوره‌های حرفه‌ای) منتقل شده است. در نهایت، تجربه فرانسه نیز همانند آلمان نشان می‌دهد که محور اصلی این تغییرات، بیش از حذف مستقیم محتوا، معطوف به بازآرایی ساختار آموزشی و افزایش شفافیت در فرایند یادگیری بوده است؛ هر چند در برخی حوزه‌ها کاهش عمق آموزشی نیز مشهود بوده است.

۳-۳. مازنی

۱-۳-۳. اهداف آموزش عالی

- تولید نیروی کار دانش‌محور و کارآفرین (تولید فارغ‌التحصیلان با مهارت‌های سطح بالا، قابلیت‌های رهبری و روحیه کارآفرینی برای برآوردن نیازهای اقتصاد ملی و رقابت در بازار جهانی)؛
- بین‌المللی‌سازی و تبدیل شدن به یک قطب آموزشی جهانی؛

■ بهبود کیفیت آموزش و پژوهش؛

■ تقویت دسترسی برابر و عدالت آموزشی؛

■ تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه (ایجاد پارک‌های فناوری و مراکز رشد در دانشگاه‌ها و توسعه برنامه‌های درسی مشترک با بخش خصوصی).

۳-۳-۲. ساختار آموزش عالی

ساختار آموزش عالی مالزی براساس چارچوب صلاحیت‌های مالزی^۱ است که شامل هشت سطح از گواهینامه‌های حرفه‌ای تا دکتری می‌شود. مؤسسات آموزش عالی در مالزی به دو دسته اصلی دولتی و خصوصی تقسیم می‌شوند:

الف) دانشگاه‌های تحقیقاتی دولتی: این دانشگاه‌ها (مانند دانشگاه مالایا و دانشگاه کبانگسان) تحت نظارت وزارت آموزش عالی هستند و مأموریت اصلی آنها تولید دانش و ارائه آموزش در تمام سطوح (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) است. پذیرش دانشجویان داخلی در این دانشگاه‌ها عمدتاً از طریق سیستم مرکزی انجام می‌شود.

ب) دانشگاه‌ها و کالج‌های خصوصی: این بخش بسیار متنوع است و آزادی بیشتری در طراحی برنامه‌های درسی و جذب دانشجویان بین‌المللی دارند.

ساختار مدرک مطابق با استانداردهای بین‌المللی به این شرح است:

○ دوره پایه / دیپلم: ۱ تا ۲ سال.

○ دوره لیسانس: ۳ تا ۴ سال.

○ دوره کارشناسی ارشد: ۱ تا ۲ سال.

○ دوره دکتری: ۳ تا ۵ سال.

۳-۳-۳. نظام تأمین مالی آموزش عالی

براساس آمارهای رسمی وزارت آموزش عالی مالزی، این کشور دارای حدود ۴۵۰ مؤسسه آموزش عالی است که شامل دانشگاه‌های دولتی، خصوصی و شعبات دانشگاه‌های بین‌المللی می‌شود. نظام تأمین منابع مالی آموزش عالی در مالزی از تنوع و تعادل برخوردار است و به‌طور کلی از سه منبع اصلی تأمین می‌شود: منابع دولتی با سهم ۵۵ درصدی (شامل بودجه مستقیم وزارت آموزش عالی ۴۰ درصد، کمک‌های هدفمند صندوق‌های توسعه ملی ۱۰ درصد و پروژه‌های زیرساختی واحد برنامه‌ریزی اقتصادی ۵ درصد)، درآمدهای خود مؤسسات با سهم ۳۵ درصدی (شامل شهریه‌های دانشجویی ۲۰ درصد، برنامه‌های آموزش مداوم و حرفه‌ای ۸ درصد و قراردادهای پژوهشی و خدمات مشاوره‌ای ۷ درصد) و سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های بین‌المللی با سهم ۱۰ درصدی (شامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۴ درصد، همکاری‌های بین‌المللی و پروژه‌های مشترک ۳ درصد و کمک‌های بنیادهای علمی بین‌المللی ۳ درصد). در این ساختار، دانشگاه‌های دولتی حدود ۷۰ درصد از کل دانشجویان کشور را پوشش می‌دهند و سهم بودجه پژوهشی از طریق صندوق‌های ملی پژوهش به ۱۵ درصد از کل بودجه پژوهشی می‌رسد. همچنین دانشگاه‌های خصوصی عمدتاً بر درآمدهای حاصل از شهریه (۶۰ درصد) و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی (۲۵ درصد) متکی‌اند، در حالی که درآمد حاصل از دانشجویان بین‌المللی حدود ۲۰ درصد از کل درآمد بخش آموزش عالی مالزی را تشکیل می‌دهد.

۳-۳-۴. سیاست‌ها و اقدامات معطوف به کاهش طول سنوات تحصیلی

نظام آموزش عالی مالزی با الهام از استانداردهای بین‌المللی و براساس چارچوب صلاحیت‌های مالزی، ساختار مدونی را برای طول دوره‌های تحصیلی در مقاطع مختلف تعریف کرده است. این ساختار ضمن حفظ انعطاف‌پذیری لازم، در راستای اهداف کلی کشور برای تبدیل شدن به یک قطب آموزشی منطقه‌ای و بین‌المللی عمل می‌کند.



طول دوره کارشناسی در مالزی عموماً سه تا چهار سال است. دوره‌های عمومی و علوم انسانی معمولاً طی سه سال (معادل ۹۰ تا ۱۲۰ واحد) به پایان می‌رسند. در مقابل، دوره‌های فنی و مهندسی، علوم پایه، پزشکی و دندان پزشکی اغلب به چهار سال (معادل ۱۲۰ تا ۱۴۰ واحد) نیاز دارند. این استانداردهای براساس چارچوب صلاحیت‌های مالزی و تحت نظارت آژانس صلاحیت‌های مالزی انجام می‌شود تا کیفیت و قابلیت مقایسه بین‌المللی مدارک تضمین شود. مدارک کارشناسی ارشد در دو قالب دوره‌های آموزشی و پژوهشی ارائه می‌شوند. مدت زمان این دوره‌ها معمولاً یک تا دو سال است. دوره‌های آموزشی که مبتنی بر گذراندن دوره‌های آموزشی اند، معمولاً یک تا یک و نیم سال طول می‌کشند. در حالی که دوره‌های پژوهشی که عمدتاً بر نوشتن پایان‌نامه تمرکز دارند، ممکن است تا دو سال طول بکشند. مدرک دکتری در مالزی در درجه اول مدرکی پژوهشی است و گذراندن دوره آن حداقل سه سال طول می‌کشد. با این حال، بسته به ماهیت تحقیق و پیشرفت دانشجو، اغلب بین سه تا پنج سال طول می‌کشد. همچنین برنامه‌های دکتری حرفه‌ای در برخی رشته‌ها وجود دارد که ترکیبی از دوره‌های آموزشی و پژوهشی‌اند. این کشور در خصوص سیاست کاهش طول دوره کارشناسی رویکردی محتاطانه مبتنی بر بهینه‌سازی اتخاذ کرده است، نه لزوماً یک کاهش کلی و یکنواخت. این کشور رسماً سیاست ملی برای کوتاه کردن تمام مدارک کارشناسی به سه سال را اعلام نکرده است. در عوض، استراتژی مالزی بر چندین رکن اصلی استوار است که به‌طور غیرمستقیم به طول دوره‌های کارآمدتر منجر می‌شوند:

اجرای یک سیستم انتقال واحد و به رسمیت شناختن آموخته‌های قبلی: مالزی با ایجاد چارچوب صلاحیت‌های مالزی، انتقال واحدها بین مؤسسات و به رسمیت شناختن مدارک تحصیلی قبلی را امکان‌پذیر کرده است. این سیاست به دانشجویانی که دارای تجربه کاری یا صلاحیت‌های حرفه‌ای اند اجازه می‌دهد تا با اخذ معافیت از دوره‌های مربوطه، مدرک کارشناسی خود را در مدت زمان کوتاه‌تری به پایان برسانند. این رویکرد به کاهش زمان شخصی‌سازی شده دست می‌یابد.

تمرکز بر یادگیری و کارآموزی مبتنی بر نتیجه: تأکید بر کسب مهارت‌ها و شایستگی‌های عملی (آموزش مبتنی بر نتیجه) به جای ساعات صرف شده در کلاس، به بهینه‌سازی محتوای دوره منجر شده است. ادغام کارآموزی‌های اجباری در برنامه‌های درسی، گاهی ممکن است طول کلی دوره را حفظ کند، اما دانشجو را در پایان همان دوره استاندارد برای کار آماده‌تر می‌کند و نیاز به دوره‌های تکمیلی طولانی مدت را کاهش می‌دهد.

رقابت‌پذیری و رعایت استانداردهای بین‌المللی: برای جذب دانشجویان بین‌المللی، مالزی باید دوره‌هایی ارائه دهد که از نظر طول و محتوا با استانداردهای رایج در کشورهای مبدأ (مانند دوره‌های سه‌ساله در سیستم بریتانیا یا استرالیا) قابل مقایسه باشند. به همین دلیل، بسیاری از دانشگاه‌های خصوصی و پردیس‌های بین‌المللی در مالزی به‌طور طبیعی دوره‌های کارشناسی سه‌ساله را به‌عنوان یک استاندارد بین‌المللی ارائه می‌دهند. این امر فشار رقابتی را برای کارآمدتر کردن دوره‌ها ایجاد کرده است.

تمایز بین رشته‌ها: در رشته‌های پیچیده و پر حجم مانند مهندسی و پزشکی، دوره‌های چهارساله همچنان استاندارد اصلی‌اند، زیرا حفظ عمق علمی و برآورده کردن الزامات حرفه‌ای و ایمنی در اولویت قرار دارند. بنابراین، سیاست این کشور انعطاف‌پذیری در چارچوب است. کشور مالزی با اتخاذ یک استراتژی هوشمندانه، به جای اعلام یک سیاست سخت‌گیرانه برای کاهش طول دوره‌های کارشناسی، شرایطی را ایجاد کرده است که به دانشجویان واجد شرایط اجازه می‌دهد دوره‌های خود را سریع‌تر به پایان برسانند. این استراتژی شامل تقویت سیستم انتقال واحد، تمرکز بر کسب مهارت‌های عملی و همسوسازی برنامه‌های درسی با نیازهای صنعت است. این رویکرد، ضمن حفظ کیفیت و عمق علمی لازم در رشته‌های تخصصی، انعطاف‌پذیری و کارایی سیستم آموزشی را افزایش می‌دهد و جایگاه مالزی را به‌عنوان یک قطب آموزشی بین‌المللی تقویت می‌کند. این کاهش، مبتنی بر بهینه‌سازی برنامه‌های درسی و با تأکید بر یادگیری مبتنی بر خروجی و مهارت‌های عملی است که هدف آن تسریع در ورود فارغ‌التحصیلان به بازار کار و پاسخ‌گویی به نیازهای فوری بخش صنعت و اقتصاد دانش‌بنیان کشور است. در عین حال، این سیاست به‌صورت منتخب و در رشته‌هایی اعمال می‌شود که امکان فشرده‌سازی محتوا بدون کاهش محسوس کیفیت فراهم باشد و رشته‌های پیچیده‌ای مانند پزشکی و مهندسی معمولاً از این قاعده مستثنا می‌شوند.

۳-۴. هلند

۳-۴-۱. اهداف آموزش عالی

- تأمین نیروی کار بسیار ماهر و نوآور؛
- ترویج تحقیقات پیشرفته و تأثیر گذار؛
- ترویج عدالت و دسترسی برابر؛
- تقویت بین‌المللی سازی و همکاری فرامرزی؛
- ترویج کارآفرینی و نوآوری.

۳-۴-۲. ساختار آموزش عالی

ساختار آموزش عالی هلند براساس سیستم سه‌چرخه‌ای بولونیا و یک سیستم دوتایی متشکل از دو نوع مؤسسه اصلی است: **دانشگاه‌های تحقیقاتی**: این دانشگاه‌ها (مانند دانشگاه آمستردام، دانشگاه لیدن و دانشگاه فناوری دلفت) بر آموزش مبتنی بر تحقیق و نظریه در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تمرکز دارند. مدرک کارشناسی در این دانشگاه‌ها عموماً سه سال (۱۸۰ واحد) و مدرک کارشناسی ارشد یک تا دو سال (۶۰ تا ۱۲۰ واحد) است. مدرک دکتری یک دوره تحقیقاتی تمام‌وقت چهارساله است که در آن دانشجو به‌عنوان کاندیدای دکتری با کار روی یک پروژه خاص، حقوق دریافت می‌کند.

دانشگاه‌های علوم کاربردی: این مؤسسات (مانند دانشگاه علوم کاربردی آمستردام و دانشگاه علوم کاربردی فونتیسی) بر آموزش حرفه‌ای و عملی تمرکز دارند و هدف اصلی آنها آماده‌سازی دانشجویان برای حرفه‌های خاص است. مدرک لیسانس در این دانشگاه‌ها معمولاً چهار سال (۲۴۰ واحد) طول می‌کشد و شامل یک دوره کارآموزی اجباری است. مدرک کارشناسی ارشد معمولاً یک تا دو سال است و اغلب به‌صورت پاره‌وقت برای متخصصان شاغل ارائه می‌شود. تمام برنامه‌های درسی باید توسط سازمان اعتبارسنجی هلند و فلاندرز (NVAO) تأیید و اعتبارسنجی شوند که کیفیت و استانداردهای آموزشی را تضمین می‌کند.

۳-۴-۳. نظام تأمین مالی آموزش عالی

نظام تأمین مالی آموزش عالی هلند ترکیبی پیچیده و مبتنی بر عملکرد از منابع عمومی و خصوصی است که در چارچوب مدل تأمین مالی بر مبنای عملکرد عمل می‌کند. منابع اصلی تأمین مالی به این شرح است:

تخصیص بودجه دولتی از طریق دولت مرکزی: این بودجه به سه جریان اصلی تقسیم می‌شود: بودجه آموزش، براساس تعداد دانشجویان ثبت‌نام شده و تعداد مدارک اعطا شده (وزن دیپلم) محاسبه می‌شود. بودجه تحقیقات، بخش عمده آن به‌صورت کمک‌های بلاعوض به دانشگاه‌های تحقیقاتی اختصاص داده می‌شود که حدود ۷۵ درصد آن براساس ارزیابی‌های دوره‌ای عملکرد تحقیقاتی (حاصل از کیفیت و کمیت خروجی‌ها) توزیع می‌شود. بودجه زیرساخت و نوآوری، برای نگهداری و توسعه امکانات.

شهریه: دانشجویان اتحادیه اروپا/ منطقه اقتصادی اروپا برای سال اول تحصیل خود شهریه قانونی پرداخت می‌کنند که مبلغ آن سالیانه توسط دولت تعیین می‌شود (حدود ۲۵۰۰ یورو در سال ۲۰۲۴). دانشجویان غیر اتحادیه اروپا و دانشجویان سال‌های بالاتر شهریه نهادی پرداخت می‌کنند که توسط خود دانشگاه تعیین می‌شود و می‌تواند به ۱۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ یورو در سال برسد.

سایر: این منبع به‌ویژه برای دانشگاه‌های تحقیقاتی بسیار مهم است و شامل درآمد حاصل از این موارد می‌شود:

■ قراردادهای تحقیقاتی با بنیادهای ملی علوم و اتحادیه اروپا؛

■ همکاری‌های تحقیقاتی با صنعت و بخش خصوصی؛

■ فروش خدمات آموزشی (به‌عنوان مثال برنامه‌های آموزشی اجرایی).

سیستم کمک مالی دانشجویی: دولت هلند به همه دانشجویان هلندی و اتحادیه اروپا زیر ۳۰ سال یک بسته حمایتی شامل وام



دانشجویی، کمک هزینه زندگی (در صورت اشتغال پاره‌وقت دانشجویی) و کارت حمل‌ونقل عمومی رایگان ارائه می‌دهد. بازپرداخت وام نیز براساس درآمد آینده دانشجویی (وام مشروط به درآمد) است.

در مجموع، منابع دولتی با سهم ۶۲ درصدی، درآمدهای حاصل از شهریه با سهم ۲۱ درصدی و درآمدهای پژوهشی و خدمات تخصصی با سهم ۱۷ درصدی نظام تأمین منابع مالی آموزش عالی را تشکیل می‌دهد.

۴-۳-۴. سیاست‌ها و اقدامات در راستای کاهش طول سنوات تحصیلی

نظام آموزش عالی هلند، با ساختار دوقطبی خود (شامل دانشگاه‌های تحقیقاتی و دانشگاه‌های علوم کاربردی)، از مدل استاندارد فرایند بولونیا برای طول دوره‌های تحصیلی پیروی می‌کند. در سطح کارشناسی، دوره‌ها در دانشگاه‌های تحقیقاتی عموماً سه سال (معادل ۱۸۰ واحد) و در دانشگاه‌های علوم کاربردی چهار سال (۲۴۰ واحد) طول می‌کشند. این تفاوت به دلیل ماهیت کاربردی و وجود کارآموزی‌های اجباری در دانشگاه‌های علوم کاربردی است. دریافت مدرک کارشناسی ارشد در هر دو نوع دانشگاه معمولاً یک تا دو سال (۶۰ تا ۱۲۰ واحد) طول می‌کشد و دریافت مدرک دکتری، به‌عنوان یک موقعیت تحقیقاتی تمام‌وقت، چهار سال طول می‌کشد.

سیاست هلند در مورد دوره‌های کارشناسی بر کاهش بیشتر متمرکز نیست، بلکه بر تثبیت و بهینه‌سازی ساختار موجود است. این کشور از ابتدا با ایجاد موفقیت‌آمیز ساختار سه‌ساله در دانشگاه‌های تحقیقاتی در چارچوب فرایند بولونیا، پایه و اساسی برای دوره‌های فشرده و کارآمد ایجاد کرده است. تمرکز اصلی سیاستگذاران هلندی، حفظ این استاندارد از طریق بهبود مستمر کیفیت برنامه‌های درسی، تقویت آموزش مبتنی بر نتیجه و توسعه یادگیری مبتنی بر مسئله است تا اطمینان حاصل شود دوره‌های سه‌ساله از عمق و غنای علمی کافی برخوردارند. در مقابل، برای دانشگاه‌های علوم کاربردی، دوره چهارساله به‌عنوان یک ضرورت برای کسب مهارت‌های حرفه‌ای عمیق پذیرفته شده است و قرار نیست کاهش یابد. بنابراین، سیاست هلند را می‌توان تحکیم ساختار کارآمد فعلی دانست که در آن کیفیت و کارایی دوره‌های سه‌ساله موجود به‌طور مداوم از طریق نوآوری در روش‌های تدریس و ارزیابی بهبود می‌یابد.

دلایل اصلی تثبیت و تأکید بر ساختار کوتاه‌مدت مدرک کارشناسی در هلند را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: همسویی و تقویت جایگاه بین‌المللی در حوزه آموزش عالی اروپا، کاهش هزینه‌های شهریه برای دانشجویان و دولت و تسریع ورود دانشجویان واجد شرایط به بازار کار پویای این کشور. علاوه بر این، افزایش رقابت‌پذیری برای جذب دانشجویان بین‌المللی که به دنبال دوره‌های کارآمد و مقرون‌به‌صرفه‌اند و اعتقاد به اثربخشی روش‌های آموزشی متمرکز و فشرده از دیگر دلایل این سیاست است. در جدول ۲ اطلاعاتی از برخی از دانشگاه‌های کشور هلند براساس شاخص‌های انتخاب شده گزارش شده است که به درک این پدیده کمک می‌کند.

جدول ۲. اطلاعات آموزشی دانشگاه‌های منتخب هلند درباره مدت و سنوات مجاز دوره کارشناسی

نام دانشگاه	طول معمول دوره	حداکثر سنوات مجاز	نظام نظارتی / قانون خاص
دانشگاه آمستردام	۳ سال (۱۸۰)	قانون ملی برای حداکثر سنوات وجود ندارد	مشاوره تحصیلی الزامی ^۱
دانشگاه صنعتی دلفت	۳ سال (۱۸۰)	قانون ملی برای حداکثر سنوات وجود ندارد	مشاوره تحصیلی الزامی
دانشگاه گرونینگن	۳ سال (۱۸۰)	قانون ملی برای حداکثر سنوات وجود ندارد	مشاوره تحصیلی الزامی و مقررات آموزشی و امتحان ^۲

مأخذ: همان.

1. Binding Study Advice (BSA)

2. Teaching and Examination Regulations (TER)

۵-۳. بریتانیا

نظام آموزش عالی بریتانیا توسط دولت‌های چهار کشور انگلستان، اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی اداره می‌شود و نقش حیاتی در پیشبرد اقتصاد دانش محور بریتانیا با تمرکز بر تعالی آموزشی، تحقیقات پیشرفته و بین‌المللی سازی ایفا می‌کند.

۱-۵-۳. اهداف آموزش عالی

- دستیابی به تعالی در تدریس و تحقیق؛
- تأمین نیروی کار ماهر و تقویت اقتصاد ملی؛
- توسعه بین‌المللی و جذب استعداد های جهانی؛
- ارتقای دسترسی و مشارکت عادلانه؛
- تأثیر اجتماعی و اقتصادی.

۲-۵-۳. ساختار آموزش عالی

ساختار آموزش عالی بریتانیا بر اساس چارچوب صلاحیت‌های آموزش عالی انگلستان و تحت نظارت دفتر استانداردهای آموزشی و آژانس تضمین کیفیت آموزش عالی عمل می‌کند. مؤسسات آموزش عالی در بریتانیا به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

(الف) دانشگاه‌های تحقیقاتی عمومی: این دانشگاه‌ها (مانند آکسفورد، کمبریج و دانشگاه‌های گروه راسل) تحت حمایت دولت، اما با خودمختاری اداری فعالیت می‌کنند و مأموریت اصلی‌شان تولید دانش و ارائه آموزش در تمام سطوح است. پذیرش دانشجو در این دانشگاه‌ها به صورت مستقل و رقابتی انجام می‌شود.

(ب) دانشگاه‌های آموزشی و فنی - حرفه‌ای: این مؤسسات (مانند دانشگاه‌های گروه میلیونیوم) بیشتر بر آموزش کاربردی و مهارت محور تمرکز دارند.

(ج) کالج‌ها و مؤسسات خصوصی: این بخش که شامل کالج‌های تخصصی و بین‌المللی می‌شود، از آزادی بیشتری در طراحی برنامه‌های درسی برخوردار است.

ویژگی متمایز نظام بریتانیا، سیستم آموزشی فشرده و متمرکز آن است که امکان تکمیل دوره‌های تحصیلی در مدت زمان کوتاه‌تر را نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر فراهم می‌کند. همچنین سیستم انتقال واحدهای درسی انعطاف‌پذیری قابل توجهی در مسیرهای تحصیلی ایجاد کرده است.

۳-۵-۳. نظام تأمین منابع مالی آموزش عالی

بریتانیا دارای بیش از ۱۶۰ مؤسسه آموزش عالی است که شامل دانشگاه‌های دولتی، کالج‌های تخصصی و مؤسسات خصوصی می‌شود. نظام تأمین منابع مالی آموزش عالی در بریتانیا از ترکیب پیچیده‌ای برخوردار است و به‌طور کلی از سه منبع اصلی شامل: منابع دولتی با سهم ۳۰ درصدی، درآمدهای خود مؤسسات با سهم ۵۰ درصدی، سرمایه‌گذاری و اوقاف با سهم ۸/۶ و سایر درآمدها با سهم ۱۷ درصدی تأمین مالی می‌شود. در ساختار نظام آموزش عالی انگلستان شهریه دانشجویان داخلی نسبتاً پایین است؛ در حالی که شهریه دانشجویان بین‌المللی به‌طور قابل توجهی بالاتر و بر اساس بازار آزاد تعیین می‌شود. سهم بودجه پژوهشی از طریق شوراها و تخصیص پژوهش به ۲۵ درصد از کل درآمدهای پژوهشی می‌رسد. همچنین دانشگاه‌های برتر گروه راسل عمدتاً بر درآمدهای حاصل از پژوهش (۴۰ درصد) و شهریه دانشجویان بین‌المللی (۳۰ درصد) متکی‌اند، در حالی که درآمد حاصل از دانشجویان بین‌المللی حدود ۲۰ درصد از کل درآمد بخش آموزش عالی بریتانیا را تشکیل می‌دهد.



جدول ۳. نوع تأمین مالی و میزان هریک از آنها در آموزش عالی کشور انگلستان [۱۵]

ردیف	نوع بودجه	نسبت از بودجه کل
۱	شهریه‌ها و قراردادهای آموزشی	۴۹/۷ درصد
۲	کمک‌های مالی هیئت بودجه‌ریزی	۱۴/۳ درصد
۳	قراردادها و کمک‌های مالی پژوهشی	۱۶ درصد
۴	درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری	۰/۷ درصد
۵	موقوفات	۱/۶ درصد
۶	سایر درآمدها	۱۷ درصد

۴-۵-۳. سیاست‌ها و اقدامات معطوف به کاهش طول سنوات تحصیلی

نظام آموزش عالی بریتانیا به طور تاریخی دارای ساختار سه‌ساله فشرده در مقطع کارشناسی بوده، اما در سال‌های اخیر با هدف افزایش انعطاف‌پذیری و پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار، سیاست رسمی کاهش دوره کارشناسی به صورت مجدد تدوین نشده، بلکه تمرکز اصلی بر توسعه و ترویج دوره‌های فشرده به عنوان جایگزینی مهم معطوف شده است. این دوره‌ها که عمدتاً در دانشگاه‌های مدرن و مؤسسات آموزشی غیرانتفاعی ارائه می‌شوند، مدت زمان تحصیل را از سه سال به دو سال کاهش می‌دهند. این امر از طریق حذف تعطیلات طولانی بین نیمسال‌ها و فشرده‌سازی محتوای آموزشی همانند حجم دوره‌های آموزشی و تعداد واحدهای گذرانده شده در سال محقق می‌شود. دولت بریتانیا با تصویب قانون آموزش عالی و تحقیقات سال ۲۰۱۷، رسماً چارچوب قانونی لازم را برای ارائه و تأمین مالی این دوره‌ها تعیین کرده است. علل و اهداف اصلی این سیاست شامل کاهش هزینه‌های کلی تحصیل برای دانشجو (شامل شهریه و هزینه‌های زندگی)، تسریع در ورود فارغ‌التحصیلان به بازار کار برای پاسخ‌گویی به کمبود مهارت در بخش‌های خاص اقتصادی، و افزایش جذابیت برای دانش‌آموختگانی است که به دنبال تغییر شغل یا ارتقای سریع‌تر مهارت‌ها هستند. مزایای کلیدی آن عبارت‌اند از: صرفه‌جویی مالی قابل توجه برای دانشجو و دولت، افزایش نرخ بازگشت سرمایه تحصیلات، و ارائه گزینه‌ای منعطف که با سبک زندگی افراد شاغل سازگارتر است. با این حال، این مدل با چالش‌های عمده‌ای نیز روبه‌رو است: فشرده‌گی و فشار تحصیلی بسیار بالا بر دانشجویان که می‌تواند بر سلامت روان و عمق یادگیری تأثیر بگذارد، نگرانی در مورد حفظ کیفیت آموزشی و پوشش همان محتوای دوره‌های سه‌ساله، و عدم استقبال گسترده از سوی دانشگاه‌های سنتی و پژوهش‌محور که نگران تأثیر آن بر شهرت آکادمیک خود هستند. علاوه بر این، امکان کاهش فرصت‌های کارآموزی و تجربیات خارج از برنامه که در بافت سنتی سه‌ساله گنجانده شده‌اند، وجود دارد. در مجموع، دلایل اصلی حرکت به سمت دوره‌های کارشناسی کوتاه‌مدت در برخی رشته‌ها را در بریتانیا می‌توان در سه محور اصلی خلاصه کرد: **اول**، پاسخ به فشارهای اقتصادی و سیاسی برای کاهش هزینه‌های عمومی و شخصی مرتبط با آموزش عالی و تسریع در بازگشت سرمایه؛ **دوم**، افزایش رقابت‌پذیری در بازار جهانی آموزش عالی از طریق ارائه گزینه‌های سریع‌تر و مقرون‌به‌صرفه‌تر به‌ویژه برای دانشجویان داخلی و بین‌المللی؛ **سوم**، انعطاف‌پذیری بیشتر برای پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع جمعیت دانشجویی، به‌ویژه افراد شاغل و دانشجویان بالغ که انگیزه بالایی برای ورود سریع به بازار کار دارند.

۶-۳. کانادا

۱-۶-۳. اهداف آموزش عالی

اهداف آموزش عالی کانادا اگرچه در سطح ملی یکپارچه نیست، در اسناد کلان استانی و بیانیه‌های نهادهای هماهنگ‌کننده به وضوح قابل

مشاهده است:

- دسترسی عادلانه و مشارکت فراگیر؛
- تضمین کیفیت و تعالی آموزشی؛
- پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار و توسعه اقتصادی؛
- تقویت پژوهش و نوآوری؛
- توسعه بین‌المللی و جذب استعداد های جهانی.

۲-۶-۳. ساختار آموزش عالی

ساختار آموزش عالی کانادا به صورت غیر متمرکز و تحت اختیار استان‌ها اداره می‌شود. باین حال، می‌توان آن را در چارچوبی کلی بررسی کرد:

۱. انواع مؤسسات آموزش عالی:

- **دانشگاه‌ها:** مؤسسات پژوهشی-آموزشی که مدارک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری اعطا می‌کنند.
- **کالج‌ها:** مؤسسات آموزشی که بر برنامه‌های کاربردی و فنی-حرفه‌ای تمرکز دارند و دیپلم، گواهینامه و مدرک کارشناسی کاربردی اعطا می‌کنند.

■ **مؤسسات فناوری:** تخصصی‌تر از کالج‌ها عمل می‌کنند و بر رشته‌های مهندسی و فناوری تمرکز دارند.

■ **کالج‌های عمومی و حرفه‌ای:** که دوره‌های دوساله پیش‌دانشگاهی یا سه‌ساله فنی-حرفه‌ای ارائه می‌دهند.

۲. مقاطع تحصیلی:

■ **کارشناسی:** دوره‌های سه تا چهارساله (معادل ۹۰ تا ۱۲۰ واحد) که به مدرک کارشناسی منجر می‌شوند.

■ **کارشناسی ارشد:** دوره‌های یک تا دوساله (معادل ۳۰ تا ۶۰ واحد) که به مدرک کارشناسی ارشد منجر می‌شوند.

■ **دکتری:** دوره‌های سه تا شش ساله پژوهشی که به مدرک دکتری منجر می‌شوند.

۳. **سیستم تضمین کیفیت:** هر استان نهاد تضمین کیفیت خاص خود را دارد (مانند شورای تضمین کیفیت دانشگاه‌های انتاریو) که بر استانداردهای آموزشی و اعتباربخشی نظارت می‌کند.

۳-۶-۳. نظام تأمین مالی آموزش عالی

بر اساس گزارش‌های رسمی، نظام آموزش عالی کانادا از الگوی تأمین مالی چندسطحی و غیر متمرکز بهره می‌برد که بر مشارکت گسترده نهادهای مختلف استوار است. سهم بودجه دولتی در این نظام به‌طور متوسط ۴۰ درصد است که سهم دولت‌های استانی ۳۰ درصد و کمک‌های فدرال ۷ درصد را دربرمی‌گیرد. در این میان، دانشگاه‌های پژوهشی تراز اول (U15) سهم بیشتری از بودجه تحقیقاتی را به خود اختصاص داده‌اند. در بخش درآمدهای اختصاصی، مؤسسات آموزش عالی کانادا به‌طور فزاینده‌ای بر شهریه دانشجویان بین‌المللی متکی‌اند که ۱۵ درصد از کل درآمدها را تشکیل می‌دهد. این امر کانادا را به یکی از مقاصد برتر جهانی تبدیل کرده است. در واقع، درآمدهای ناشی از دانشجویان بین‌المللی حدود ۳۰ درصد از کل درآمد بخش آموزش عالی این کشور را شامل می‌شود. منابع سرمایه‌گذاری و کمک‌های مردمی نیز سهم قابل توجه ۱۵ درصدی دارند که عمدتاً از طریق بازده سرمایه‌گذاری‌های دانشگاه (۸ درصد) و کمک‌های فارغ‌التحصیلان (۴ درصد) تأمین می‌گردد. شایان ذکر است که شوراهای سه‌گانه پژوهش^۱ حدود ۲۰ درصد از کل بودجه پژوهشی کشور را مدیریت می‌کنند.

این ترکیب هوشمندانه منابع مالی، انعطاف‌پذیری قابل توجهی به نظام آموزش عالی کانادا بخشیده و امکان توسعه این بخش را در شرایط مختلف اقتصادی فراهم کرده است. تمرکز بر جذب دانشجوی بین‌المللی همراه با حفظ پایه بودجه دولتی، الگویی موفق را در سطح جهانی

۱. شورای سه‌گانه پژوهش شامل سه شورای تحقیقات علوم طبیعی و مهندسی (NSERC)، شورای تحقیقات بهداشت کانادا (CIHR) و شورای تحقیقات علوم انسانی (SSHRC) می‌شود.



ایجاد کرده است. این نظام مالی در مقابل با چالش‌های مهمی از جمله وابستگی فزاینده به شهریه دانشجویان بین‌المللی، نابرابری در توزیع منابع بین استان‌ها و مؤسسات، و فشار برای افزایش بهره‌وری و کارایی مالی روبه‌رو است.

۴-۶-۳. سیاست‌ها و اقدامات ناظر به کاهش طول سنوات تحصیلی

نظام آموزش عالی کانادا با ساختار غیرمتمرکز خود، رویکرد یکپارچه‌ای در زمینه کاهش طول دوره کارشناسی ندارد، اما در سال‌های اخیر شاهد حرکت تدریجی به سمت دوره‌های کارشناسی سه‌ساله در کنار دوره‌های مرسوم چهارساله در برخی استان‌ها و دانشگاه‌ها بوده است. در استان‌هایی مانند انتاریو، این سیاست رسماً در قالب ساختار دوگانه مدرک کارشناسی (سه سال) و مدرک کارشناسی افتخاری (چهار سال) اجرا می‌شود. دانشگاه‌های برجسته‌ای مانند دانشگاه بریتیش کلمبیا، تورنتو و مک‌گیل نیز با معرفی برنامه‌های تسریع شده و توسعه سیستم انتقال واحدهای پیشرفته از کالج‌ها، مسیرهای سریع‌تری برای اخذ مدرک کارشناسی ایجاد کرده‌اند. علل و اهداف اصلی این تغییرات را می‌توان در چند محور بررسی کرد: کاهش هزینه‌های تحصیل برای دانشجویان در شرایط افزایش شهریه‌ها، ایجاد انعطاف‌پذیری بیشتر در مسیرهای تحصیلی، پاسخ به نیازهای متنوع دانشجویان و تسریع در ورود فارغ‌التحصیلان به بازار کار برای تأمین نیروی کار متخصص مورد نیاز اقتصاد دانش‌بنیان کانادا. سه رکن اصلی این سیاست‌ها شامل استقرار نظام پیشرفته انتقال واحدهای درسی بین مؤسسات و استان‌ها، توسعه برنامه‌های آموزشی فشرده از جمله دوره‌های تابستانی و بین‌نیمسالی، و اجرای سیستم آموزش ترکیبی (حضور و مجازی) است. مزایای کلیدی این رویکرد شامل کاهش بار مالی برای دانشجویان و خانواده‌ها، امکان ورود سریع‌تر به بازار کار، انعطاف‌پذیری بیشتر برای دانشجویان شاغل و افزایش جذابیت برای دانشجویان بین‌المللی از طریق همسویی با استانداردهای جهانی است. با این حال، این سیاست با چالش‌های عمده‌ای نیز روبه‌رو بوده است.

در مجموع، دلایل اصلی حرکت به سمت دوره‌های کارشناسی کوتاه‌مدت در کانادا را می‌توان در چهار محور اصلی خلاصه کرد: پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی و کاهش فشار مالی بر دانشجویان، ایجاد انعطاف‌پذیری بیشتر در نظام آموزشی، همسویی با استانداردهای بین‌المللی و افزایش رقابت‌پذیری در جذب دانشجویان بین‌المللی، و تسریع در تأمین نیروی کار متخصص برای بازار کار که با نیازهای اقتصاد دانش‌بنیان کانادا همخوانی دارد. دستاوردهای این سیاست‌ها شامل کاهش نیم‌ساله متوسط طول دوره تحصیل در دهه گذشته، افزایش نرخ اشتغال فارغ‌التحصیلان به ۸۵ درصد و رسیدن رضایت دانشجویان به ۸۰ درصد بوده است. با این حال، چالش‌هایی از جمله هماهنگی بین نظام‌های آموزشی استانی، حفظ کیفیت آموزشی در دوره‌های فشرده و تطبیق با نیازهای متغیر بازار کار همچنان وجود دارد. این رویکرد جامع توانسته است توازن مناسبی بین کیفیت آموزشی و کارایی زمانی ایجاد کند و الگویی موفق در آموزش عالی جهانی ارائه دهد.

۷-۳. استرالیا

۱-۷-۳. اهداف آموزش عالی

اهداف آموزش عالی استرالیا در اسناد راهبردی ملی به‌ویژه «نقشه راه آموزش بین‌المللی استرالیا ۲۰۲۵-۲۰۲۱» و «چارچوب کیفیت آموزش عالی استرالیا» به‌وضوح تعریف شده‌اند:

■ **ارائه آموزش با کیفیت جهانی؛**

■ **توسعه مهارت‌های نیروی کار برای اقتصاد مدرن؛**

■ **پیشبرد پژوهش‌های تأثیرگذار و نوآوری؛**

۱. هدف از مدرک لیسانس افتخاری (Bachelor Honours Degree)، واجد شرایط کردن افرادی است که مجموعه‌ای از دانش را در یک زمینه خاص برای انجام کار حرفه‌ای و به‌عنوان مسیری برای تحقیق و یادگیری بیشتر به کار می‌برند. فارغ‌التحصیلان در این سطح، دانش و مهارت‌های پیشرفته‌ای برای کار حرفه‌ای یا بسیار ماهرانه یا یادگیری بیشتر خواهند داشت. حجم یادگیری مدرک لیسانس افتخاری معمولاً یک سال پس از مدرک لیسانس است. مدرک لیسانس افتخاری همچنین ممکن است در یک مدرک لیسانس، معمولاً به‌عنوان یک سال اضافی، گنجانده شود.

■ ارتقای برابری و مشارکت؛

■ تقویت موقعیت بین‌المللی.

۲-۷-۳. ساختار و نظام تأمین مالی آموزش عالی

ساختار آموزش عالی استرالیا بر پایه چارچوب صلاحیت استرالیا^۱ استوار شده است که سیستم یکپارچه ۱۰ سطحی از گواهینامه‌های پایه تا دکتری را شامل می‌شود. این نظام شامل سه نوع اصلی مؤسسه آموزشی است: دانشگاه‌ها (۴۳ مؤسسه دولتی، خصوصی و بین‌المللی) که مدارک کارشناسی تا دکتری اعطا می‌کنند؛ مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای که برنامه‌های مهارت‌محور و کاربردی ارائه می‌دهند، و مؤسسات آموزش عالی غیردانشگاهی که دوره‌های تخصصی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد برگزار می‌کنند. مقاطع تحصیلی در این نظام به این صورت است: دوره‌های کارشناسی سه تا چهار سال (معادل ۱۸۰-۲۴۰ واحد)، کارشناسی ارشد یک تا دو سال (۹۰-۱۲۰ واحد) و دکتری سه تا چهار سال (پژوهش‌محور) به طول می‌انجامد. کیفیت آموزشی تمام این مؤسسات توسط سازمان کیفیت و استانداردهای آموزش عالی استرالیا نظارت و تضمین می‌شود.

۳-۷-۳. نظام تأمین منابع مالی آموزش عالی

بر اساس آمارهای رسمی وزارت آموزش و پرورش استرالیا، این کشور دارای حدود ۱۸۰ مؤسسه آموزش عالی است که شامل دانشگاه‌های دولتی، مؤسسات فنی و حرفه‌ای و مؤسسات خصوصی می‌شود. نظام تأمین منابع مالی آموزش عالی در استرالیا از ترکیب متعادلی از منابع مختلف بهره می‌برد که به طور کلی از سه منبع اصلی تشکیل شده است: منابع دولتی با سهم ۴۲ درصدی، درآمدهای خود مؤسسات با سهم ۴۸ درصدی، و درآمدهای سرمایه‌گذاری و کمک‌های مردمی با سهم ۱۰ درصدی. در این ساختار، سیستم وام آموزشی به دانشجویان داخلی امکان می‌دهد شهریه خود را با شرایط مناسب پرداخت نمایند. سهم بودجه پژوهشی از طریق شورای پژوهشی استرالیا و شورای ملی سلامت و پژوهش پزشکی به ۲۵ درصد از کل درآمدهای پژوهشی می‌رسد. درآمد حاصل از دانشجویان بین‌المللی حدود ۲۴ درصد از کل درآمد بخش آموزش عالی استرالیا را تشکیل می‌دهد و این کشور را به یکی از مقاصد برتر تحصیلی در جهان تبدیل کرده است. از مهم‌ترین چالش‌های این نظام می‌توان به وابستگی زیاد به درآمد دانشجویان بین‌المللی، فشار برای افزایش بهره‌وری و نیاز به تنوع بخشی به منابع درآمدی اشاره کرد.

۴-۷-۳. سیاست‌ها و اقدامات معطوف به کاهش طول سنوات تحصیلی

نظام آموزش عالی استرالیا در سال‌های اخیر با هدف افزایش رقابت‌پذیری بین‌المللی و پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار، حرکت به سمت دوره‌های کارشناسی کوتاه‌مدت را در دستور کار قرار داده است. بر این اساس، بسیاری از دانشگاه‌های استرالیا، دوره‌های کارشناسی فشرده دوساله را در کنار دوره‌های سه‌ساله سنتی ارائه می‌دهند. این دوره‌ها با حفظ محتوای آموزشی دوره‌های سه‌ساله، از طریق حذف تعطیلات بین‌نیمسالی و فشرده‌سازی برنامه‌های درسی، مدت‌زمان تحصیل را کاهش می‌دهند. سیاست کلان این کشور در این زمینه مبتنی بر چارچوب صلاحیت‌های استرالیا است که امکان ارائه دوره‌های فشرده با حفظ استانداردهای آموزشی را فراهم می‌کند. علل و اهداف اصلی این سیاست را می‌توان در چند محور اصلی بررسی کرد: کاهش هزینه‌های تحصیل برای دانشجویان داخلی و بین‌المللی، افزایش رقابت‌پذیری در بازار جهانی آموزش عالی، پاسخ به نیازهای فوری بازار کار، و انعطاف‌پذیری بیشتر در مسیرهای تحصیلی. همچنین، این سیاست با هدف جذب دانشجویان بین‌المللی، که به دنبال دوره‌های کوتاه‌مدت و مقرون‌به‌صرفه‌اند، تدوین شده است. مزایای کلیدی این رویکرد شامل صرفه‌جویی مالی برای دانشجویان و نظام آموزشی، ورود سریع‌تر به بازار کار، افزایش نرخ بازگشت سرمایه تحصیلی و تقویت موقعیت استرالیا به عنوان مقصدی جذاب برای دانشجویان بین‌المللی است. با وجود این، استقرار این سیاست آموزشی با موانع و دشواری‌های قابل توجهی مواجه شده است که از مهم‌ترین آنها تراکم بالای محتوای درسی و افزایش فشار تحصیلی بر دانشجویان، کاسته شدن از فرصت‌های کارآموزی و کسب

1. Australian Qualifications Framework (AQF)



تجربه‌های عملی، دغدغه‌های جدی درباره حفظ استانداردهای کیفی آموزش و همچنین محدودیت در پرورش مهارت‌های نرم به علت فشرده بودن بازه زمانی دوره است.

در مجموع، دلایل اصلی حرکت به سمت دوره‌های کارشناسی کوتاه‌مدت در استرالیا را می‌توان در چهار محور اصلی خلاصه کرد: افزایش رقابت پذیری در بازار جهانی آموزش عالی، پاسخ‌گویی به نیازهای فوری بازار کار و اقتصاد ملی، کاهش موانع مالی برای دسترسی به آموزش عالی، و انعطاف‌پذیری بیشتر در پاسخ به نیازهای متنوع دانشجویان که همگی در راستای تقویت موقعیت استرالیا به‌عنوان یک قطب پیشرو در آموزش عالی جهانی قرار دارد.

۸-۳. هند

نظام آموزش عالی هند با بیش از ۱۰۰۰ دانشگاه و ۴۰,۰۰۰ کالج، یکی از بزرگ‌ترین نظام‌های آموزش عالی جهان محسوب می‌شود. این نظام تحت نظارت وزارت توسعه منابع انسانی اداره می‌شود.

۱-۸-۳. اهداف نظام آموزش عالی

- دسترسی همگانی به آموزش با کیفیت با هدف افزایش نرخ ثبت‌نام ناخالص به ۵۰ درصد تا سال ۲۰۳۵؛
- ارتقای کیفیت و مرتبط‌سازی آموزش با نیازهای اقتصادی؛
- تقویت پژوهش و نوآوری از طریق ایجاد چارچوب ملی پژوهش؛
- بین‌المللی‌سازی آموزش عالی؛
- ادغام فناوری در آموزش.

۲-۸-۳. ساختار نظام آموزش عالی

از نظر ساختار آموزشی، هند دارای شبکه‌ای متنوع از مؤسسات آموزش عالی شامل دانشگاه‌های مرکزی تحت نظارت مستقیم دولت مرکزی، دانشگاه‌های ایالتی تحت نظارت دولت‌های محلی، دانشگاه‌های خصوصی با مجوز کمیسیون پژوهانه (گرنٹ) دانشگاهی^۱ و مؤسسات دارای اهمیت ملی مانند مؤسسات فناوری و مدیریت است. چارچوب جدید آموزشی مبتنی بر سیاست ملی آموزش و پرورش ۲۰۲۰، ساختار انعطاف‌پذیری را معرفی کرده که شامل دوره‌های کارشناسی سه یا چهارساله با قابلیت خروج در مراحل مختلف، کارشناسی ارشد یک یا دوساله و دکتری سه تا پنج‌ساله است.

۳-۸-۳. تأمین مالی نظام آموزش عالی

نظام تأمین مالی آموزش عالی در هند دارای ساختاری چندلایه و در حال تحول است که از منابع متنوعی بهره‌می‌برد. سهم منابع دولتی در تأمین مالی آموزش عالی حدود ۴۵ درصد است که شامل بودجه مستقیم دولت مرکزی (۲۵ درصد)، کمک‌های مالی دولت‌های ایالتی (۱۵ درصد) و پروژه‌های زیرساختی (۵ درصد) می‌شود. درآمدهای اختصاصی مؤسسات آموزشی سهم ۴۰ درصدی دارد که عمدتاً از شهریه دانشجویان (۲۵ درصد)، برنامه‌های آموزش مداوم (۸ درصد) و خدمات مشاوره‌ای (۷ درصد) تأمین می‌گردد. سرمایه‌گذاری خصوصی و بین‌المللی نیز با سهم ۱۵ درصدی نقش مهمی ایفا می‌کند. دانشگاه‌های دولتی برتر مانند مؤسسات فناوری هند^۲ و مؤسسات مدیریت هند^۳ سهم بیشتری از بودجه پژوهشی را دریافت می‌کنند. در مقابل، دانشگاه‌های خصوصی عمدتاً به شهریه دانشجویان (۶۵ درصد) متکی‌اند. جذب دانشجویان بین‌المللی با سهم ۸ درصدی از کل درآمدها، به‌عنوان یک منبع درآمدی در حال رشد مورد توجه قرار دارد.

1. University Grants Commission (UGC)
2. Indian Institutes of Technology (IITs)
3. Indian Institutes of Management (IIMs)

۴-۸-۳. سیاست‌ها و اقدامات ناظر به کاهش طول سنوات تحصیلی

نظام آموزش عالی هند در چارچوب سیاست ملی آموزش ۲۰۲۰، تحولات بنیادینی را در ساختار دوره کارشناسی تجربه می‌کند. براساس این سیاست، دوره سنتی سه‌ساله کارشناسی به یک ساختار چندخروجی انعطاف‌پذیر تبدیل شده است که امکان اخذ مدرک را در مراحل مختلف فراهم می‌سازد. این ساختار جدید به دانشجویان اجازه می‌دهد پس از یک سال تحصیل، گواهی، پس از دو سال، دیپلم، و پس از سه سال، مدرک کارشناسی دریافت کنند. دوره چهارساله نیز به‌عنوان کارشناسی پژوهشی طراحی شده است. این تغییرات با هدف افزایش نرخ ثبت‌نام و کاهش نرخ ترک تحصیل صورت گرفته است. اهداف و علل اصلی این تحول شامل افزایش نرخ ثبت‌نام ناخالص در آموزش عالی، کاهش بار مالی بر دوش دانشجویان و خانواده‌ها، انعطاف‌پذیری بیشتر در مسیرهای تحصیلی و همسوسازی با استانداردهای بین‌المللی است. همچنین این سیاست به دنبال کاهش نرخ ترک تحصیل با ارائه گزینه‌های خروجی متعدد است. از مهم‌ترین مزایای این سیاست می‌توان به کاهش هزینه‌های تحصیل برای دانشجویان، ورود سریع‌تر به بازار کار، انعطاف‌پذیری تحصیلی برای دانشجویان شاغل و جذابیت بیشتر برای قشرهای مختلف جامعه اشاره داشت. علاوه بر این، این سیستم به کاهش بار مالی دولت در تأمین آموزش عالی کمک می‌کند. در کنار این نقاط قوت سیاست مذکور، ضعف زیرساخت‌های آموزشی در بسیاری از دانشگاه‌ها، کمبود اعضای هیئت‌علمی، نبود آمادگی نظام اداری برای مدیریت ساختار پیچیده چندخروجی، نگرانی در مورد کیفیت آموزش در دوره‌های فشرده و عدم اطمینان کارفرمایان نسبت به ارزش مدارک کوتاه‌مدت از مهم‌ترین چالش‌های اجرای آن بوده است. به‌صورت کلی حرکت به سمت دوره‌های کارشناسی کوتاه‌مدت در هند را می‌توان در چهار محور اصلی خلاصه کرد: افزایش دسترسی به آموزش عالی برای اقشار مختلف جامعه به‌ویژه گروه‌های محروم، کاهش هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تحصیل برای دانشجویان و دولت، ایجاد انعطاف‌پذیری در مسیرهای تحصیلی برای کاهش نرخ ترک تحصیل، و همسو کردن ساختار آموزش عالی هند با استانداردهای بین‌المللی به‌منظور افزایش رقابت‌پذیری جهانی.

۴. ساختار نظام آموزشی کشورهای منتخب



یکی از نکات قابل تأمل در بررسی طول مدت دوره کارشناسی، توجه به ساختار نظام آموزشی حاکم در آن کشور است؛ به‌گونه‌ای که آگاهی و اطلاع از این ساختار درک و نگرش واقع‌بینانه‌تری به تعداد سال‌های دوره کارشناسی و نوع ارتباط بین دوره‌های قبل و بعد از دانشگاه می‌دهد. بر همین اساس، قبل از تحلیل و ارائه راهکارهای پیشنهادی در خصوص کاهش طول دوره کارشناسی، ساختار نظام آموزشی هشت کشور مورد مطالعه در ذیل ارائه شده است:



جدول ۴. ساختار نظام آموزشی کشورهای مورد مطالعه

کشور	تحصیلات ابتدایی	تحصیلات متوسطه
آلمان	۴ سال	متوسطه اول: ۵-۶ سال متوسطه دوم: ۲-۳ سال (متنهی به دیپلم آبیتر) ^۱
فرانسه	۵ سال	کالج (همان مدرسه راهنمایی): ۴ سال دبیرستان: ۳ سال (متنهی به باکلوریا) ^۲
مالزی	۶ سال	متوسطه اول: ۳ سال متوسطه دوم: ۲ سال (SPM) پیش‌دانشگاهی: ۱-۲ سال
هلند	۸ سال	۱. مدارس فنی حرفه‌ای (Vmbo) - به مدت ۴ سال ۲. دبیرستان‌های عمومی (Havo) - به مدت ۵ سال ۳. دبیرستان و پیش‌دانشگاهی (Vwo) - به مدت ۶ سال
هند	۸ سال (تا ۱۴ سالگی)	۴ سال (متنهی به مدرک Higher Secondary)
بریتانیا	۷ سال	۵ سال A-Levels + (۲ سال)
کانادا	۶-۸ سال	۴-۶ سال (بسته به استان)
استرالیا	۷ سال	متوسطه اول: ۴ سال متوسطه دوم: ۲ سال

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

بررسی ساختار نظام آموزش پیش‌دانشگاهی در هشت کشور مورد مطالعه نشان می‌دهد که طراحی و اجرای بهینه این مرحله می‌تواند به‌طور مستقیم در کاهش طول دوره تحصیلات عالی مؤثر باشد. این تأثیر از طریق چند سازوکار کلیدی ساختاری اعمال می‌شود: در کشورهایمانند آلمان و هلند، ساختار تفکیک مسیره‌های تحصیلی از سنین پایین و ارائه آموزش تخصصی در دوره متوسطه دوم (نظیر دیپلم دوره دبیرستان^۳ یا دیپلم آموزش پیش‌دانشگاهی^۴، دانش‌آموزان را با محتوای پیش‌رفته و روش‌های تحلیلی آشنا می‌سازد که مستقیماً با انتظارات سال‌های اول دانشگاه همسو است. این هماهنگی، نیاز به دروس پایه یا جبرانی در دانشگاه را کاهش می‌دهد. در فرانسه، سیستم متمرکز و سخت‌گیرانه باکلوریا^۵، با تعریف استانداردهای ملی یکسان، اطمینان می‌دهد که تقریباً تمام ورودی‌های دانشگاه از سطح دانش و مهارت یکنواخت و نسبتاً پیشرفته‌ای برخوردارند. از سوی دیگر، در کشورهایمانند بریتانیا و استرالیا، وجود سیستم‌های مبتنی بر شایستگی و اعتبارسنجی (نظیر A-Levels و ATAR) به دانشگاه‌ها اجازه می‌دهد تا دقیقاً براساس دستاوردهای تخصصی و شناخته شده دانش‌آموزان، اقدام به پذیرش نمایند. این شفافیت و استاندارد‌سازی، باعث می‌شود دوره دانشگاه بتواند بدون اتلاف وقت برای سنجش اولیه، بر محتوای پیش‌رفته متمرکز شود. مالزی و هند با اتخاذ چارچوب‌های صلاحیت ملی در حال ایجاد پیوند ساختاری صریح بین یادگیری‌های دوره متوسطه و نتایج مورد انتظار در آموزش عالی‌اند. این چارچوب‌ها با تعریف خروجی‌های یادگیری در هر سطح، از دوباره‌کاری محتوایی جلوگیری می‌کنند. با این حال، در ساختار غیرمتمرکز کانادا، چالش اصلی ناهمگونی استانداردها بین استان‌هاست که می‌تواند به تقاضای

۱. Abitur: یک مدرک تحصیلی است که معمولاً پس از ۱۲ یا ۱۳ سال تحصیل در مدارس آلمان به دانش‌آموزان اعطا می‌شود. این مدرک برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی عالی آلمان ضروری است و برای ورود به بسیاری از برنامه‌های تحصیلی مانند پزشکی، مهندسی، علوم انسانی و علوم اجتماعی الزامی است.
۲. Baccalauréat: معادل دیپلم دبیرستان ایالات متحده است، اما با این تفاوت که نیاز به مطالعه مقدماتی دارد.

3. Gymnasium

4. VWO

۵. Baccalauréat: یا دیپلم فرانسه یک مدرک تحصیلی مهم در نظام آموزشی فرانسه است که به عنوان گذرگاهی به آموزش عالی عمل می‌کند. این مدرک نقش کلیدی در فرصت‌های تحصیلی و حرفه‌ای دانش‌آموزان دارد و شرایط ویژه‌ای برای کسب آن لازم است.

برای دوره‌های جبرانی در دانشگاه منجر شود و در صورت نبود هماهنگی، اثر معکوس بر طول دوره داشته باشد. در مجموع می‌توان گفت، ساختار نظام آموزشی با تمرکز بر آموزش پیش‌دانشگاهی در صورت همسویی محتوایی با انتظارات دانشگاه می‌تواند اقدام مؤثری برای مدیریت محتوای دروس در دوره کارشناسی و کاهش طول دوره تحصیلی در این مقطع باشد.

۵. تحلیل و تبیین یافته‌های مورد مطالعه مبتنی بر الگوهای رفتاری مشابه در کشورهای منتخب



۵-۱. رابطه بین ساختار حکمرانی آموزش عالی و کاهش طول دوره تحصیل

ساختار حکمرانی آموزش عالی نقش کلیدی در کاهش طول دوره تحصیل دارد. این رابطه از طریق این موارد قابل تبیین است:

الف) تمرکززدایی و استقلال نهادی

■ در کشورهایمانند آلمان و کانادا، تصمیم‌گیری در سطح ایالت‌ها یا لندرها صورت می‌گیرد که انعطاف‌پذیری بیشتری برای طراحی دوره‌های کوتاه‌مدت فراهم می‌کند.

ب) استانداردهای و همسوسازی با فرایند بولونیا

■ کشورهای اروپایی مانند فرانسه و آلمان با پیوستن به فرایند بولونیا، ساختار سه‌چرخه‌ای (کارشناسی سه‌ساله، کارشناسی ارشد، دکتری) را اجرا کردند. این تغییرات به کاهش طول دوره کارشناسی و افزایش قابلیت مقایسه و انتقال‌پذیری مدارک در سطح بین‌المللی منجر شد.

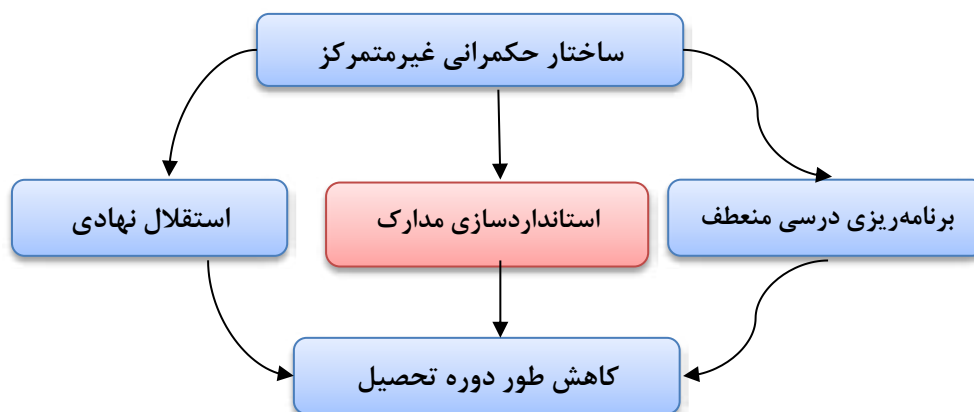
ج) نقش نهادهای سیاستگذار

■ نهادهایی مانند وزارت آموزش عالی در فرانسه و انجمن رؤسای دانشگاه‌ها در آلمان، با تعیین چارچوب‌های استاندارد، کاهش طول دوره را تسهیل کردند.

د) طراحی برنامه‌های درسی پودمانی

■ در کشورهایمانند هلند و بریتانیا، برنامه‌های درسی به صورت پودمانی و مبتنی بر نتایج یادگیری طراحی شده‌اند که امکان فشرده‌سازی دوره‌ها را فراهم می‌کند.

شکل ۱. رابطه بین ساختار حکمرانی و کاهش طول دوره تحصیلی



مأخذ: یافته‌های پژوهش.



۲-۵. رابطه بین نظام تأمین منابع مالی آموزش عالی و کاهش طول دوره تحصیلی

نظام تأمین مالی آموزش عالی نیز تأثیر مستقیمی بر کاهش طول دوره تحصیل دارد. این رابطه از طریق سازوکارهای زیر عمل می‌کند:

الف) تأمین مالی مبتنی بر عملکرد

در کشورهایی مانند هلند و استرالیا، بودجه‌دهی به دانشگاه‌ها براساس شاخص‌هایی مانند تعداد فارغ‌التحصیلان و کیفیت آموزش صورت می‌گیرد. این نظام، انگیزه‌ای برای دانشگاه‌ها ایجاد می‌کند تا دوره‌ها را کوتاه‌تر و کارآمدتر طراحی کنند.

ب) کاهش هزینه‌های تحصیل برای دانشجویان

در بریتانیا و کانادا، دوره‌های فشرده (دوساله) باعث کاهش هزینه‌های شهریه و هزینه‌های فرصت برای دانشجویان می‌شوند.

ج) افزایش درآمد از طریق جذب دانشجویان بین‌المللی

در مالزی و استرالیا، دوره‌های کوتاه‌مدت و مقرون به صرفه، جذابیت بیشتری برای دانشجویان بین‌المللی دارند و درآمدزایی مؤسسات را افزایش می‌دهند.

بنابراین می‌توان گفت، ساختار حکمرانی غیرمتمرکز و استانداردسازی مدارک از طریق فرایندهایی مانند بولونیا، نقش کلیدی در کاهش طول دوره تحصیل ایفا می‌کنند. همچنین نظام تأمین مالی مبتنی بر عملکرد و کاهش هزینه‌های دانشجویی نیز به طور مستقیم بر طراحی دوره‌های کوتاه‌مدت تأثیر می‌گذارد. ترکیب این دو عامل در کشورهای پیشرو به کارایی بالاتر، کاهش هزینه‌ها و ورود سریع‌تر فارغ‌التحصیلان به بازار کار منجر شده است.

۶. راهکارهای کاهش طول دوره تحصیلی کارشناسی در هشت کشور منتخب



مطالعه تطبیقی تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد که کاهش طول دوره کارشناسی راهبرد یکسانی نیست، بلکه راهبردی متناسب با زمینه است که براساس ساختار حکمرانی، نیازهای اقتصادی و اولویت‌های اجتماعی هر کشور طراحی می‌شود. براساس بررسی انجام شده حاصل از پیشینه و موردی کشورهای منتخب، ۳۵ راهکار برای کاهش طول دوره شناسایی گردید که شامل این موارد می‌شوند: کنترل افزایش تعداد واحدهای درسی با تعیین سقف مشخص برای واحدهای دوره‌های تحصیلی، ایجاد نقشه‌های برنامه تحصیلی شفاف، به صورت نیمسال به نیمسال برای تمام رشته‌ها، انتقال واحدهای دروس عمومی در زمان انتقال دانشجو بین مؤسسات آموزشی، بهینه‌سازی نقشه راه برنامه درسی، دسترسی به دروس (ظرفیت کلاس‌ها)، انعطاف‌پذیری پیش‌نیازها، ارتقای کیفی واحدهای درسی و همسویی آنها با پایان‌نامه، بهبود فرایندهای آموزشی و علمی، تسهیل روند انجام پایان‌نامه/رساله، بازنگری دروس و ساده‌سازی فرایند پایان‌نامه، ساختاری (تأمین تجهیزات و اعتبارات پژوهشی)، بازنگری در شرط چاپ مقاله، تسهیل دسترسی به منابع و تجهیزات، افزایش حمایت‌های مالی و نظارت مستمر بر پیشرفت دانشجویان، طراحی نظام پایش هوشمند و ارائه مشاوره‌های هدفمند به دانشجویان، بازسازی برنامه‌های درسی در قالب پودمان (ماژول)‌های مبتنی بر سیستم استاندارد انتقال واحدهای درسی اروپا، کاهش پودمان‌های اختیاری، انتقال محتوا و بخش‌های تخصصی‌تر برنامه درسی به دوره کارشناسی ارشد، استفاده از ساختار سه‌نیمسالی در یک سال تحصیلی، تأکید بر یادگیری مبتنی بر خروجی و مهارت‌های عملی، انعطاف‌پذیری در چارچوب و استقلال دانشگاه‌ها در کاهش طول دوره‌های تحصیلی، تمیز قائل شدن بین رشته‌های مختلف و دارای ظرفیت کاهش، کاهش مدت تعطیلات طولانی بین نیمسال‌ها، فشرده‌سازی محتوای آموزشی، توسعه برنامه‌های آموزشی فشرده از جمله دوره‌های تابستانی و بین‌نیمسالی، اجرای سیستم آموزش ترکیبی (حضور و مجازی)، استفاده از ساختار چندخروجی

انعطاف‌پذیر، ارتقای کیفیت فرایندهای آموزشی و پژوهشی، ایجاد سیستم‌های نظارتی هوشمند، همسویی آموزش عالی با نیازهای بازار کار، حرکت به سمت پودمانی‌سازی یا سازمان‌دهی دروس در قالب بسته‌های آموزشی مستقل، تعریف دقیق‌تر نتایج مورد انتظار از فرایند یادگیری، حرکت به سمت برنامه‌هایی با کاهش میزان حضور دانشجو در کلاس درس، بازآرایی ساختار آموزشی، افزایش شفافیت در فرایند یادگیری. راهکارهای شناسایی شده در چهار الگوی کلی دسته‌بندی شده‌اند که در ادامه مطرح می‌شود:

۱. الگوی اصلاح ساختاری (اروپایی)

کشورهای آلمان، فرانسه و هلند با اتکا به فرایند بولونیا، بازطراحی کامل معماری آموزش عالی را دنبال کردند. این کشورها با استقرار ساختار سه‌چرخه‌ای، دوره کارشناسی را به سه سال (۱۸۰ واحد) کاهش داده‌اند. مهم‌ترین دستاورد این رویکرد، افزایش تحرک دانشجویان و هم‌ترازی مدارک در سطح اروپا بوده است. با این حال، چالش‌هایی مانند کاهش عمق علمی و افزایش بار اداری از نقاط ضعف این الگو محسوب می‌شوند.

۲. الگوی رقابتی - بازار محور

بریتانیا، استرالیا و کانادا با محوریت کارایی اقتصادی، راهبردهای متفاوتی را دنبال کرده‌اند. ارائه دوره‌های شتاب‌دهنده در کنار دوره‌های سنتی، از جمله مهم‌ترین سازوکارهای این کشورهاست. این دوره‌ها با کاهش مدت تحصیل به دو تا سه سال از طریق فشرده‌سازی و حذف تعطیلات طولانی، هدف کاهش هزینه‌های دانشجویی و پاسخ به نیاز فوری بازار کار را دنبال می‌کنند.

۳. الگوی فراگیر - انعطاف‌پذیر

هند با اتکا به سیاست ملی آموزش ۲۰۲۰، مدل نوآورانه‌ای را ارائه داده است. طراحی ساختار چندخروجی با امکان اخذ گواهی (یک سال)، دیپلم (دو سال) و مدرک کارشناسی (سه سال) از ویژگی‌های بارز این الگو است. تأکید بر عدالت آموزشی و کاهش نرخ ترک تحصیل از اهداف اصلی این رویکرد به‌شمار می‌رود.

۴. الگوی تدریجی - بهینه‌ساز

مالزی با رویکردی محتاطانه، کاهش طول دوره را از طریق تقویت سیستم انتقال واحد و به رسمیت شناختن آموخته‌های قبلی دنبال می‌کند. تمرکز بر یادگیری مبتنی بر نتیجه و مهارت‌محوری، همراه با حفظ انعطاف‌پذیری برای رشته‌های پیچیده از ویژگی‌های متمایز این الگو است.



جدول ۵. تحلیل مقایسه‌ای تجربه کشورهای مورد مطالعه در خصوص کاهش طول دوره تحصیل کارشناسی

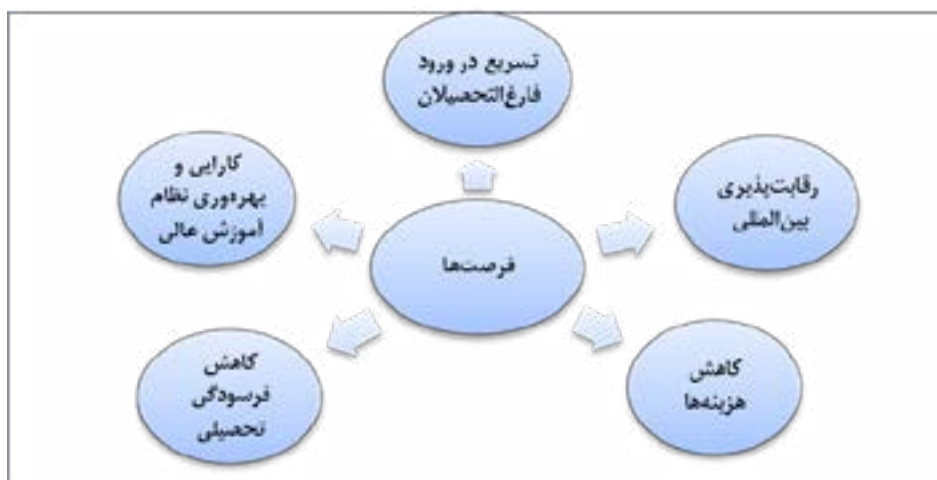
کشور	مدت دوره	نوع حکمرانی	نظام تأمین مالی	رویکرد کلیدی	محرک اصلی	نقاط قوت	نقاط ضعف
آلمان	۳ سال	غیر متمرکز (ایالتی)	عمدتاً دولتی با تأکید بر بودجه عمومی	اصلاح ساختاری	همسوسازی اروپایی	تحرك بین‌المللی	کاهش عمق علمی
فرانسه	۳ سال	متمرکز	بودجه دولتی مبتنی بر قرارداد های چهار ساله	اصلاح ساختاری	اشتغال‌پذیری	استاندارد سازی	کاهش ساعات تدریس
هلند	۳-۴ سال	نیمه متمرکز - ترکیبی از استقلال نهادی و نظارت مرکزی	ترکیبی (دولتی، شهریه، درآمدهای پژوهشی)	سیستم دو قطبی ساختار یافته	کارایی و کیفیت	تناسب با بازار کار	فشار تحصیلی
بریتانیا	۲-۳ سال	نیمه متمرکز - استقلال نهادی با نظارت ملی	مبتنی بر شهریه و کمک‌های پژوهشی رقابتی	دوره‌های شتاب زده	کاهش هزینه‌ها	صرفه جویی مالی	فشار تحصیلی بالا
کانادا	۳-۴ سال	غیر متمرکز (استانی)	ترکیبی (دولتی، شهریه، کمک‌های فدرال)	مدل ترکیبی - حرکت به سمت دوره‌های کارشناسی سه ساله در کنار دوره‌های چهار ساله	انعطاف‌پذیری	تنوع مسیرهای تحصیلی	تفاوت در ارزشیابی
استرالیا	۲-۳ سال	نیمه متمرکز - سیستم فدرال با چارچوب ملی	ترکیبی (دولتی، شهریه، درآمدهای بین‌المللی)	دوره‌های فشرده	رقابت جهانی	جذب دانشجوی بین‌المللی	تراکم درسی بالا
هند	۳-۴ سال	متمرکز	ترکیبی (دولتی، شهریه، سرمایه‌گذاری خصوصی)	ساختار چندخروجی	عدالت آموزشی	کاهش ترک تحصیل	ضعف زیرساخت‌ها
مالزی	۳-۴ سال	متمرکز	ترکیبی (دولتی، شهریه، درآمدزایی مؤسسات)	بهینه‌سازی تدریجی	رقابت‌پذیری	انتقال واحد	عدم کاهش یکنواخت

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۱. نقاط قوت (فرصت‌ها) کاهش طول دوره تحصیلی برای کشورهای مورد مطالعه

بر اساس آنچه مطالعه شد، مهم‌ترین مزایا و دلایل کاهش طول دوره تحصیلی در کشورهای مورد مطالعه شامل کاهش بار مالی بر دانشجویان و خانواده‌ها از طریق کم کردن هزینه‌های مستقیم (شهریه، مسکن) و هزینه‌های فرصت (درآمد از دست‌رفته)، تسریع در ورود فارغ‌التحصیلان به بازار کار و افزایش نرخ مشارکت اقتصادی، افزایش کارایی و بهره‌وری نظام آموزش عالی با تربیت نیروی انسانی در زمان کوتاه‌تر، و کاهش فرسودگی تحصیلی و افزایش رضایت دانشجویان است. همچنین این امر به رقابت‌پذیری بین‌المللی نظام آموزشی و همسویی با استانداردهای جهانی کمک می‌کند.

شکل ۲. فرصت‌های اجرای سیاست کاهش طول دوره تحصیلی در کشورهای منتخب

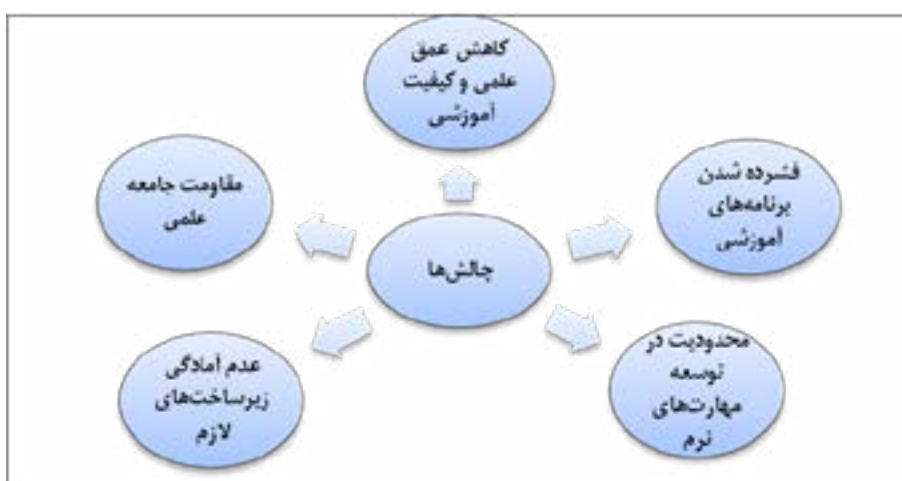


مأخذ: همان.

۲. چالش‌ها کاهش طول دوره تحصیلی برای کشورهای مورد مطالعه

مهم‌ترین چالش‌ها و مسائل کاهش طول دوره تحصیلی شامل کاهش عمق علمی و کیفیات آموزشی به دلیل فشردگی محتوای درسی، افزایش فشار تحصیلی و بار کاری بر دانشجویان و اساتید، محدودیت در توسعه مهارت‌های نرم و فعالیت‌های فوق برنامه، نگرانی در مورد کفایت آمادگی حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان به ویژه در رشته‌های پیچیده، افزایش بار اداری و نظارتی برای دانشگاه‌ها، و مقاومت در برابر تغییر از سوی نهادهای سنتی و اساتید است. همچنین کاهش فرصت‌های کارآموزی و تجربیات عملی و نداشتن تطابق با استانداردهای برخی رشته‌های تخصصی از دیگر چالش‌های پیش‌روست.

شکل ۳. تهدیدهای اجرای سیاست کاهش طول دوره تحصیلی در کشورهای منتخب



مأخذ: همان.



۳. پیشنهاد‌های سیاستی برای کاهش طول سنوات تحصیلی با تأکید بر دوره کارشناسی در ایران

الف) تفویض اختیار به دانشگاه‌ها برای تصمیم‌گیری در خصوص اجرای فرایند کاهش طول دوره‌های تحصیلی

با توجه به تنوع مأموریت‌ها، ظرفیت‌ها و نیازهای منطقه‌ای دانشگاه‌ها در ایران، پیشنهاد می‌شود سازوکاری طراحی شود که براساس آن، دانشگاه‌های دارای صلاحیت (براساس شاخص‌هایی مانند رتبه‌بندی داخلی، کیفیت هیئت‌علمی و زیرساخت‌های آموزشی) اختیار لازم را برای بازنگری و بهینه‌سازی طول دوره تحصیلی در رشته‌های تحت پوشش خود دریافت نمایند. این اختیار در راستای استقلال‌دهی به دانشگاه امکان می‌دهد با در نظر گرفتن ماهیت رشته، نیازهای بازار کار منطقه و استانداردهای ملی، طول دوره و محتوای آموزشی را به گونه‌ای طراحی کند که در عین حفظ کیفیت و جامعیت آموزشی، از اتلاف زمان و منابع جلوگیری شود. برای مثال، یک دانشگاه فنی و مهندسی ممکن است با تقویت سیستم کارآموزی و تمرکز بر دروس اصلی، دوره را فشرده کند، در حالی که یک دانشگاه با مأموریت علوم انسانی ممکن است بر تعمیق مباحث نظری تأکید نماید. این رویکرد منعطف، به جای اجرای یک دستورالعمل یکسان برای تمام مؤسسات، به دانشگاه‌ها اجازه می‌دهد تا متناسب با هویت و ظرفیت خود، راهکارهای بومی و مؤثر برای کاهش مدت تحصیل ارائه دهند.

ب) سبک‌سازی بار آموزش عالی به واسطه بازنگری اساسی در برنامه‌های درسی

تدوین چارچوب ملی صلاحیت‌های آموزش عالی ایران با الگوبرداری از تجارب موفق کشورهایمانند مالزی و استرالیا، که در آن نتایج یادگیری مورد انتظار در هر مقطع به‌طور شفاف تعریف شده باشد، ضروری است. این چارچوب باید به بازنگری اساسی در سرفصل‌ها و حذف دروس تکراری یا غیرضروری بینجامد و با تمرکز بر مهارت‌های پایه و تخصصی اصلی، حجم محتوای آموزشی را بدون تقلیل کیفیت، بهینه‌سازی کند. هم‌زمان، امکان ارائه واحدهای اختیاری هدفمند برای تقویت مهارت‌های نرم و شغلی باید فراهم گردد.

ج) استقرار سامانه یکپارچه انتقال واحد و برنامه‌ریزی تحصیلی

ایجاد سامانه ملی یکپارچه انتقال واحدهای درسی با چارچوب مشخص و استاندارد که امکان جابه‌جایی بدون اتلاف وقت دانشجویان بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی مختلف را فراهم می‌کند. این سامانه باید شامل بانک اطلاعاتی واحدهای درسی معادل، سازوکار خودکار بررسی تطابق دروس و سامانه ثبت دروس مشترک باشد. هم‌زمان، با استقرار سامانه مشاوره تحصیلی هوشمند، نقشه راه تحصیلی شخصی‌سازی شده برای هر دانشجو طراحی، و با تضمین عرضه به‌موقع دروس اصلی و مدیریت ظرفیت، امکان پی‌موندن بهینه مسیر تحصیلی فراهم می‌شود. این راهکار با کاهش فرایندهای اداری و حذف دوباره کاری‌ها، زمینه تحصیل بدون وقفه و به‌موقع دانشجویان را در سراسر کشور ایجاد می‌کند.

د) اجرای نظام آموزشی انعطاف‌پذیر و پذیرش الگوهای متنوع آموزشی

اجرای نظام سه‌نیمساله در دانشگاه‌ها و رسمیت بخشیدن به دوره‌های فشرده و تسریع شده برای دانشجویان مستعد، مشابه الگوی موفق بریتانیا و استرالیا، امکان فارغ‌التحصیلی زودتر از موعد را فراهم می‌آورد. این راهکار باید با توسعه زیرساخت‌های آموزش ترکیبی (حضور و برخط (آنلاین)) و به رسمیت شناختن آموخته‌های قبلی از طریق دوره‌های کارآموزی، گواهینامه‌های حرفه‌ای و آزمون‌های سنجش صلاحیت تکمیل شود تا هر دانشجو بتواند متناسب با سرعت یادگیری و شرایط فردی خود مسیر تحصیلی را طی کند.

ه) تقویت پیوند با صنعت و استقرار نظام تأمین مالی مبتنی بر عملکرد

ایجاد پیوند عملی بین دانشگاه و صنعت از طریق الزام به گذراندن کارآموزی‌های هدفمند در طول دوره تحصیل و مشارکت نهادهای صنعتی در بازنگری برنامه‌های درسی، به کاستن از دروس صرفاً نظری و کاهش فاصله مهارتی فارغ‌التحصیلان با بازار کار کمک می‌کند. در کنار این، استقرار نظام تأمین مالی مبتنی بر عملکرد برای دانشگاه‌ها، مشابه مدل هلند، که براساس شاخص‌هایی مانند نرخ فارغ‌التحصیلی به‌موقع و رضایت کارفرمایان صورت می‌گیرد، انگیزه لازم برای اصلاحات و بهبود کارایی درونی را در مؤسسات آموزش عالی ایجاد خواهد کرد.

و) استقرار سیستم «مدرک پلکانی» و خروج‌های منعطف از دوره تحصیل

اجرای الگوی چندخروجی مشابه هند، به گونه‌ای که دانشجو پس از گذراندن دو تا سه سال اولیه (حدود ۹۰ واحد) موفق به دریافت گواهی

صلاحیت حرفه‌ای شود و در صورت تمایل، با یک وقفه کوتاه به بازار کار وارد گردد. سپس در فرصت مناسب، با بازگشت به دانشگاه و گذراندن واحدهای باقی مانده، مدرک کارشناسی کامل را دریافت نماید. این طرح به‌ویژه برای دانشجویان شاغل یا دارای محدودیت مالی بسیار کارآمد خواهد بود.

ز) اجرای طرح فرصت تحصیلی تابستانی بین دانشگاهی

برگزاری دوره‌های فشرده تابستانی با همکاری چند دانشگاه در هر منطقه، که دانشجویان بتوانند دروس معوق خود را در این دوره‌ها بگذرانند. این طرح به‌ویژه برای دروس عمومی و پایه، که در همه دانشگاه‌ها مشترک‌اند، بسیار مؤثر خواهد بود و مانع از طولانی شدن تحصیل به دلیل برخورد با ظرفیت پر در دانشگاه مبدأ می‌شود.

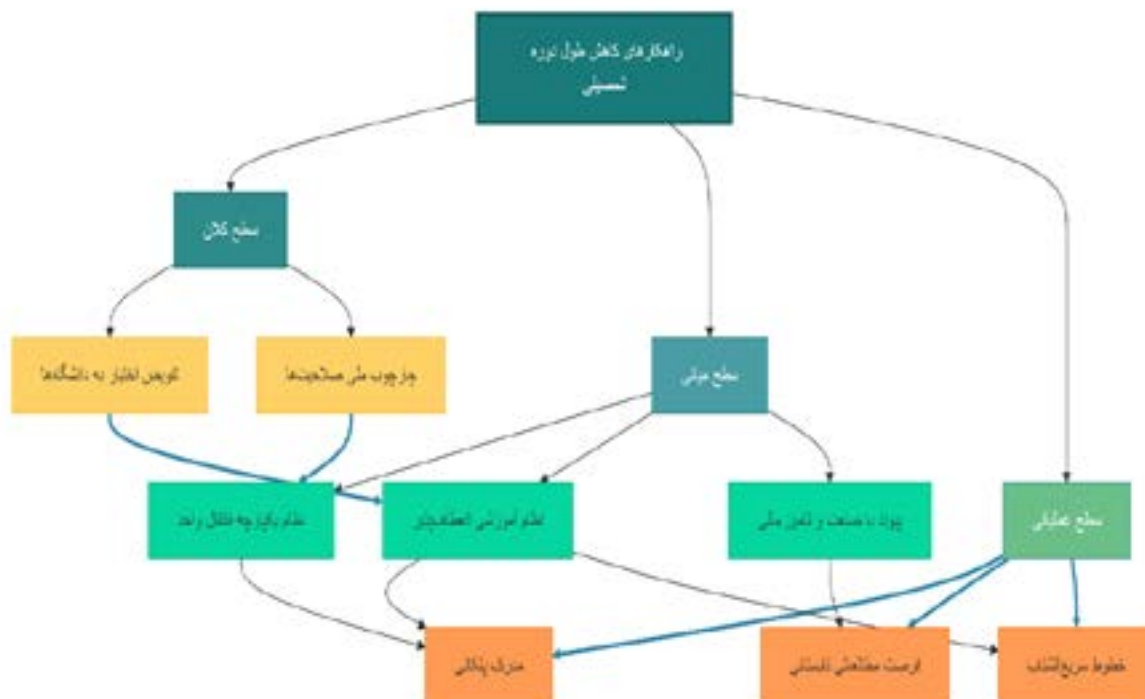
ح) طراحی مسیرهای تحصیلی متنوع برای استعدادهای درخشان و متقاضیان واجد شرایط

طراحی مسیرهای ویژه برای دانشجویان ممتاز که امکان گذراندن واحدهای بیشتر در هر نیمسال، شرکت در دوره‌های فشرده و انجام پروژه‌های تحقیقاتی به جای دروس اختیاری را فراهم می‌کند. این دانشجویان می‌توانند با حفظ کیفیت آموزشی، دوره کارشناسی را در بازه‌ای کوتاه‌تر (مثلاً ۲/۵ سال) به پایان برسانند و به‌عنوان الگو برای سایر دانشجویان عمل نمایند.

۷. جمع‌بندی

پیشنهاد‌های ارائه شده در واقع ارکان یک سامانه تحول‌یگانه در آموزش عالی را تشکیل می‌دهند که از سطح کلان سیاست‌گذاری (تفویض اختیار و چارچوب ملی) آغاز می‌شود و تا سطح خرد اجرایی (خطوط شتاب‌دهنده (تسریع شده) و فرصت‌های مطالعاتی) امتداد می‌یابد. این پیشنهادها به‌صورت سازمان‌دهی شده و زنجیره‌ای به هم پیوسته‌اند؛ به‌گونه‌ای که استقرار چارچوب ملی صلاحیت‌ها، بستر لازم را برای تفویض اختیار به دانشگاه‌ها فراهم می‌کند، نظام آموزشی انعطاف‌پذیر امکان اجرای مدرک پلکانی را میسر می‌سازد و تقویت پیوند با صنعت، کیفیت و کارآمدی همه این اجزا را تضمین می‌کند. در نهایت، این مجموعه به‌صورت هم‌افزا به کوتاه‌تر شدن دوره تحصیل، افزایش بهره‌وری و ارتقای کیفیت آموزش عالی منجر خواهد شد. در ادامه در قالب شکل ۴ این پیشنهادها ارائه شده است. این نمودار نشان می‌دهد که چگونه پیشنهاد‌های مختلف در سه سطح به هم مرتبط می‌شوند و سیستمی یکپارچه را تشکیل می‌دهند.

شکل ۴. راهکارهای کاهش طول دوره تحصیلی در کشور ایران براساس الگوی سه‌سطحی



مأخذ: همان.

منابع و مأخذ



- [1] Altbach PG, Reisberg L, Rumbley LE., (2019), Trends in global higher education: Tracking an academic revolution. Brill.
- [2] Organisation for Economic Co-operation and Development, (2019), Education at a Glance 2019: OECD Indicators. OECD Publishing.
- [3] Schuetze, H. G., & Slowey, M., (2002), "Participation and exclusion: A comparative analysis of non-traditional students and lifelong learners in higher education", Higher education, Vol.44, No.3, pp. 309- 327.
- [4] Shamsutdinov, Y. A., Lebedev, K. V., & Bochkovskiy, P. P., (2021), "Relationship between the Level of Economic Development and Education Level of the Employed Population", In Proceedings of the Computational Methods in Systems and Software, pp. 114-. Cham: Springer International Publishing.
- [5] Krajňáková, E., Pilinkienė, V., & Bulko, P., (2020), "Determinants of economic development and employability of higher education institutions graduates", Engineering Economics, Vol. 31,

No.2, pp.211- 220.

[6] Kember, D., (2004), "Interpreting student workload and the factors which shape students' perceptions of their workload", *Studies in Higher Education*, Vol.29, No.2, pp.165- 184.

[7] Johnson, N., (2011), *Three Policies to Reduce Time to Degree*. Complete College America.

[8] De Urquidi, K., Ohland, M., & Godwin, A., (2017), The benefits and costs of shortening time to graduation. Paper presented at the 2017, ASEE Zone II Conference, American Society for Engineering.

[9] Su X, Chen M, Yur-Austin J, Liu Y. (2020), "Restructuring degree roadmaps to improve timely graduation in higher education", *International Journal of Educational Management*, 2020 Jan 15; Vol.34, No.2, pp.32- 49.

[۱۰] غیائی ندوشن، سعید (۱۴۰۱)، «شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پیامدهای آن»، پژوهش‌های تربیتی، دوره ۴۴، شماره ۱-۲۲، صص. ۱۵۴-۱۲۱.

[۱۱] تابعی، ملیحه، رحمان سلیمان پور، غلامرضا غفاری و هوشنگ نابی (۱۴۰۲)، «تحلیلی از علل افزایش سنوات تحصیل دانشجویان در ایران، (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد)»، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، دوره ۱۵، شماره ۲، صص. ۶۷-۸۷.

[۱۲] حسینی، رضا و کریم اسلامونیان (۱۳۷۹)، «بررسی متوسط طول تحصیل در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا در رشته‌های علوم و مهندسی و مقایسه آن با سایر رشته‌ها در دانشگاه‌های کانادا»، مجله آموزش مهندسی ایران، دوره ۳، شماره ۱، صص. ۱۱۹-۱۳۳.

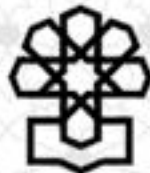
[۱۳] منصوریان، زهرا، حسین کریمی منقی، جمشید جمالی، ابوالفضل خواجوی‌راد و حور اشرفی‌فرد (۱۴۰۰)، «بررسی عوامل مرتبط با افزایش طول مدت تحصیل دانشجویان دکتری تخصصی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد از دیدگاه اساتید، دانشجویان و کارشناسان آموزش»، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد، دوره ۱۶، شماره ۴، صص. ۲۲۷-۲۴۳.

[۱۴] خلیلی، بهزاد (۱۴۰۴)، «مطالعه و بررسی نقش آفرینی نظام آموزش عالی در اشتغال‌پذیری و ورود به‌هنگام جوانان به بازار کار»، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش، شماره مسلسل ۲۱۱۱۵.

[۱۵] یوسفی، هادی (۱۴۰۱)، «بررسی وضعیت حکمرانی آموزش عالی ۱۰ کشور دنیا از نظر مؤلفه‌های ساختار اداری، تأمین مالی و ارزیابی و تضمین کیفیت و ارائه رویکردهای سیاستی»، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش، شماره مسلسل ۱۸۲۶۳.

گزیده سیاستی

برای کاهش طول دوره تحصیل استفاده از ساختار سه نیمسال و کاهش تعطیلی های طولانی بین نیمسال تحصیلی، حرکت به سمت پودمانی سازی یا سازمان دهی درس در قالب بسته های آموزشی مستقل پیشنهاد می شود.



مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی بازار نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ | صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۳۸۵۵ | پست الکترونیک: mirca@males.ir

وبسایت: rc.males.ir